

گزارش یک حذف

روایت آنچه در انجمن روزنامه‌نگاران تهران گذشته است

گزارشگر: لیلی فرهادپور

۲۴ خرداد ۱۴۰۰، مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برگزار و هیات‌مدیره جدید با رای اعضا انتخاب شدند. پس از گذشت شش ماه از آن انتخابات، اکنون مشخص شده است برخی از منتخبان از جمله رییس انجمن، دکتر حسن نمک‌دوست، از سوی «مراجعی»، که اصولاً در قانون و مقررات نهادهای صنفی حضورشان آورده نشده، «رد صلاحیت» شده‌اند. این درحالی است که از چهار ماه قبل از اعلام «رد صلاحیت» منتخبان، عملاً از فعالیت این هیات‌مدیره توسط برخی از اعضای آن (و با همراهی دبیرخانه انجمن)، با طرح بحث الزام به تأیید نهادهای بالادستی (عملی کاملاً فراقانونی) جلوگیری شده بود و بدین ترتیب انجمن چهارماه در حالت تعلیق به سر می‌برد. اما چرا باید از درون انجمن نیز با این روند فراقانونی همدلی صورت بگیرد؟ آیا صرف وابستگی انجمن به نهادهای بالادستی و حفظ بقای انجمن می‌تواند توجیه‌کننده این رفتار باشد؟ آیا راه‌حلی برای رسیدن به استقلال بیشتر این نهاد صنفی وجود ندارد؟

این سوال‌ها درحالی مطرح است که به نظر می‌رسد اختلافات بین اعضای هیات‌مدیره (قبل و فعلی فرقی نمی‌کند) از اختلاف بین دو رویکرد سرچشمه می‌گیرد: اینکه انجمن در برابر جامعه روزنامه‌نگاری مسئول است یا صرفاً در برابر اعضای خود ولاغیر؟ یا به بیان بهتر آیا این نهاد صنفی بایستی صرفاً به اعضای خود متکی باشد یا کل جامعه روزنامه‌نگاری؟ حال اگر اهمیت اعضا را اهم قرار بدهیم آیا رای همین اعضا در یک انتخابات قانونی نباید به تصمیمات بالادستی اعم باشد و نباید برای صیانت از این آرا تلاش صورت بگیرد؟ این گزارش سعی دارد با بررسی و آسیب‌شناسی آنچه در این انجمن گذشته به پاسخی برای این سوالات نزدیک شود. شایان ذکر است که در این بررسی جزئیات نقش مهمی ایفا می‌کنند ولی از آنجاییکه این «جزئیات» ممکن است برای خواننده عام‌تر این گزارش جالب و قابل پیگیری نباشد آن‌ها را در قالب پانوشت به عنوان توضیح متن آورده‌ام.

بخش اول: پیشگفتار

دقیقاً صد سال از شکل‌گیری اولین تشکل صنفی روزنامه‌نگاران در ایران می‌گذرد. طبق متون مرتبط با تاریخ مطبوعات ایران، «انجمن مطبوعات ایران» در سال ۱۳۰۰ تشکیل شد که اولین تشکل صنفی به حساب می‌آید. بیست‌وپنج سال بعد از این تاریخ، یعنی در سال ۱۳۲۵، «انجمن روزنامه‌نگاران ایران» اعلام موجودیت کرد. اطلاعات زیادی درباره این انجمن‌ها و کارکرد و علل و چگونگی انحلال آنها موجود نیست. در سال ۱۳۴۱ «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران ایران» به عنوان مهم‌ترین نهاد صنفی روزنامه‌نگاران ایران تشکیل شد. این نهاد بعد از انقلاب ۱۳۵۷ فروپاشید و به محاق رفت. در سال ۱۳۷۶ «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» تشکیل شد که با بیش از پنج هزار عضو فراگیرترین و مهم‌ترین انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به شمار می‌رود. در سال ۱۳۸۸ این نهاد با دستور قضایی پلمپ شد و وضعیتش تاکنون به محاق رفته است. در چنین شرایطی «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران» اعلام موجودیت کرد ولی در روایت مشکلات در روند فعالیت آن، تنها از تعارض‌ها و مقابله‌ها با نهاد قدرت (مانند انحلال هیات‌مدیره اول) گزارش رسمی منتشر شده است.

این مساله از یک طرف می‌تواند ناظر بر این باشد که همواره مباحث مربوط به حل مشکل «تعارضات با نهادهای قدرت» اهم مباحث بوده و هست و از طرف دیگر می‌تواند نشان از این داشته باشد که نهادهای صنفی اغلب چنان درگیر گفتمان «مصلحت برای بقا» می‌شوند که از «حقیقت‌تأمین منافع ذی‌نفعان» غافل می‌مانند. به بیان دیگر دال گفتمان صنفی به جای این‌که منافع صنفی باشد به گفتمان بقای نهاد تبدیل می‌شود و در نتیجه منافع ذی‌نفعان نادیده می‌ماند.

در چنین وضعیتی، در بیشتر مواقع، نقد، بررسی و آسیب‌شناسی عملکردهای نهادهای صنفی مطبوعاتی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و عملاً مسکوت و پنهان می‌ماند و به‌این‌ترتیب امرسیاسی در گزاره «کتمان حقیقت برای مصلحت» بر امر مدنی غلبه می‌کند و مانع از کنش اصیل مدنی در چارچوب قوانین مصوب و شرح وظایف اعضا می‌شود. در راستای کنش صادقانه مدنی، باور بر این است که تا وقتی عملکرد این نهادهای صنفی در بوته نقد قرار نگیرد، ما در مقام کنشگران مستقل، قادر به کنشگری مدنی شایسته نخواهیم بود. از این رو برای ثبت در تاریخ، گزارش زیر تهیه شده تا در قالب گزارشی تحقیقی در امر روزنامه‌نگاری و در راستای انجام وظیفه بازرسی نهادهای مدنی، گامی در جهت تحلیل، بررسی، نقد و آسیب‌شناسی فعالیت‌های مدنی-صنفی باشد و البته به دور از هرگونه «سیاست‌بازی» مورد مطالعه قرارگیرد. در این گزارش از مستندات حقوقی و قانونی (اعم از آیین‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و اساسنامه انجمن‌های همسو و اساسنامه انجمن) و همچنین گزارشات منتشر شده در رسانه‌های رسمی و مجازی و تحقیقات میدانی در خصوص بحث‌های درگرفته در شبکه‌های مجازی و مصاحبه‌های بسیار با شاهدان و البته تجربه شخصی نگارنده به عنوان بازرس این دوره از انجمن، استفاده شده است. در ابتدا گزیری نیست جز آن که به مرور تاریخچه فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران پردازیم.

بخش دوم

هیات موسس و هیات مدیره دوره‌ی اول انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران

در شهریور ماه ۱۳۹۵ بعد از یکسال تلاش عده‌ای از روزنامه‌نگاران، ۵۳ نفر از آنان به عنوان هیات‌موسس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران اعلام موجودیت کردند و نمایندگان آنان آقایان داوود محمدی، شهریار شمس مستوفی و علی کدخدازاده به ادارات مربوط مراجعه و بعد از تعارضات بسیار با نهادهای قدرت، و همچنین نقدهای بسیار درون‌گروهی نسبت به شکل‌گیری این تشکل، بالاخره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در وزارت کارورفاه‌اجتماعی ثبت شد.

پیش از ثبت این تشکل در وزارت کار و پس از آن، نقدهای درون صنفی بسیاری، در عرصه‌ی عمومی، نسبت به این حرکت به طور وسیع مطرح شد^۱. از جمله این نقد بارها گفته، شنیده و ثبت شد که: «این انجمن در راستای مسکوت گذاشتن و محدود ساختن فعالیت انجمن روزنامه‌نگاران ایران شکل گرفته‌است». از سوی دیگر در این گروه ۵۳ نفری، خانم بدرالسادات مفیدی از طرف انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران حضور داشت و جلساتی نیز در محل دانشکده انجمن فوق در این خصوص برگزار شد و اعضای هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران نیز در جریان امور بودند و با وجود تمام اختلاف‌نظرها علناً از تشکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران حمایت کردند.

به نظر می‌رسد دلیل ثبت این تعارضات درون صنفی در عرصه عمومی، همانا پا نگرفتن گفتمان «مصلحت بقای نهاد» در این دوره است زیرا هنوز نهاد صنفی فوق تشکیل نشده بود تا دغدغه‌ی بقای آن مطرح شود و برای مصلحت «حفظ نهاد» منتقدان را وادار به سکوت کند. می‌توان گفت در این دوره گفتمان «مصلحت تشکیل نهاد» گفتمان غالب بوده است.

بالاخره در دوم دی ماه ۱۳۹۵، انتخابات برای تعیین اولین هیات‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برگزار شد. در این انتخابات بهروز گرانبیاه ۱۳۵ رای، داوود محمدی ۱۲۷ رای، افشین امیرشاهی ۱۰۲ رای، مسعود هوشمند رضوی ۸۸ رای، اعظم ویسمه ۸۰ رای، مهرداد خدیر ۵۹ رای و نسرین تخیری ۵۸ رای، به عنوان اعضای اصلی هیات‌مدیره؛ مژگان جمشیدی ۵۷ رای و هادی حیدری با ۴۸ رای به عنوان اعضای علی‌البدل؛ و در بخش بازرسان امیرهادی انواری با ۱۰۱ رای و گیسو فغفوری ۷۸ رای به عنوان بازرسان اصلی و فرزاد شیرزادی با ۶۷ رای به عنوان بازرسان علی‌البدل انتخاب شدند. این انتخابات، مانند تمام انتخابات انجمن‌های صنفی مشابه، با حضور نماینده وزارت‌کار برگزار شد و «صحت» آن نیز بر طبق قوانین احراز شد.^۲ اما با گذشت بیش از ۸ ماه از برگزاری مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، وزارت‌کار مجوزهای لازم را برای آغاز بکار رسمی این تشکل صنفی صادر نکرد و به طور «غیررسمی» خواهان حذف برخی اعضای هیات‌مدیره اول انجمن شد.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در مقابل این درخواست مقاومت می‌کند و با درمیان گذاشتن موارد فوق با اعضا (در گروه‌های مجازی و حتی دعوت از آنان در جمع‌های مشورتی) بالاخره با صدور بیانیه‌ای در کانال رسمی این انجمن در تلگرام، اعلام می‌کند که «تاکنون وزارت‌کار از ارسال تصمیمات مجمع عمومی موصوف به اداره کل ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری استنکاف می‌کند و بدیهی است که سکوت مسئولان مربوطه شروع به کار رسمی اعضای «هیات‌مدیره» و «بازرسان» منتخب را با موانع جدی مواجه ساخته است و به همین دلیل، تحقق اهداف مبتنی بر رفع چالش‌های صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران همچنان ناممکن خواهد بود.» همچنین هیات‌مدیره منتخب انجمن با انتشار بیانیه‌ای خطاب به روزنامه‌نگاران اعلام کرد که «انتظار مسئولان وزارت‌کار از ترکیب هیات‌مدیره، تفاوت زیادی با اولویت‌بندی منتخبان شما در روز رأی‌گیری دارد.» درواقع در افواه پیچیده بود که چهار یا پنج نفر از منتخبان از سوی نهادهای امنیتی «رد صلاحیت» شده‌اند!

شایان ذکر است که چون در اساسنامه انجمن و آیین‌نامه‌های بالادستی چیزی به عنوان «ردصلاحیت» پیش‌بینی نشده است بنابراین گره توقف شروع فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران تنها با استعفای اعضای «رد صلاحیت» شده امکان پذیر بود تا بعد از آن با تشکیل و تایید مجمع عمومی، اعضای علی‌البدل به جای آنها بنشینند. در جلسات تشکیل شده (رسمی و غیررسمی) بحث‌های زیادی در گرفت. عده‌ای خواهان عدم استعفای هیات‌مدیره منتخب شدند و پیگیری قانونی این رفتار وزارت‌کار را در مراجع قضایی خواستند (که ممکن بود سال‌ها به طول انجامد) و درمقابل عده‌ای «صلاح» را در استعفای رده‌صلاحیت‌شدگان می‌دیدند و عده‌ای نیز پیشنهاد استعفای دست‌جمعی را دادند که شکلی اعتراضی نیز به روند اتخاذ شده داشته باشد؛ که این پیشنهاد آخری مورد قبول اکثریت قرار گرفت و هیات‌مدیره منتخب با صدور بیانیه‌ای استعفای جمعی خود را اعلام کرد. این درحالی‌است که در هیچ‌کجا از وجود اختلاف‌نظرها و بحث‌های فراوان بر سر استعفا دادن یا ندادن هیات‌مدیره منتخب، احتمالاً بنا بر «مصلحت بقای انجمن» گزارشی منتشر و ثبت نشد و به اطلاع جامعه‌روزنامه‌نگاری نرسید. درواقع تمامی این بحث‌ها و تلاش‌های درون صنفی بجز در حافظه‌ی جمعی جایی ثبت نشد تا در موارد مشابه بعدی به عنوان انتقال تجربه از آنها استفاده شود.^۳ ریزش قابل تامل شرکت‌کنندگان در مجمع بعدی نشان از این تعارضات احتمالاً حل نشده دارد.

در آذر ماه سال ۱۳۹۶، دومین مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران به‌منظور تعیین تکلیف و بررسی استعفای دسته‌جمعی اعضای منتخب هیات‌مدیره برگزار شد. شایان ذکر است که در این جلسه فقط حدود نیمی از شرکت‌کنندگان جلسه‌ی پیشین شرکت داشتند (۱۵۰ نفر به ۷۶ نفر). بعد از ارائه گزارشی از روند طی شده، متن استعفای اعضای منتخب هیات‌مدیره قرائت شد. در گزارش به مجمع تصریح شده بود: «اگر با استعفای آنها موافقت کنید جلسه را ادامه داده و اقدام به رأی‌گیری، انتخاب هیات‌مدیره جدید و در نهایت تشکیل و ثبت انجمن خواهیم کرد. و اگر با استعفای هیات‌مدیره منتخب موافقت نکنید، جلسه را به اتمام

رسانده و انتخابات و اقدامات بعدی آن را به مرحله اجرا نخواهیم رساند». بالاخره با پذیرش استعفای هیات‌مدیره توسط اعضای حاضر در مجمع، رأی‌گیری مجدد برای انتخاب اعضای هیات‌مدیره جدید انجام گرفت.^۴

نکته دیگری که در مصوبات این مجمع باید به آن اشاره کرد این است که پیش از برگزاری انتخابات برای تعیین هیات‌مدیره جدید، تغییراتی در اساسنامه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران نیز قرائت و به تصویب حاضران رسید. در واقع بند جدیدی به اساسنامه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران اضافه شد که بر اساس آن نامزدهای انتخابات هیات‌مدیره باید ۲۰ روز قبل از برگزاری مجمع درخواست کاندیداتوری خود را اعلام کنند. گویا همین بند اضافه نیز مورد نقد بسیاری قرار گرفته بود چون شائبه امکان دخالت نهادهای فراقانونی را و اینکه «ممکن است بستر تایید صلاحیت‌های کاندیداها را قبل از انتخابات فراهم کند» برای بسیاری از اعضا به همراه داشت. اما تدوین‌کنندگان این بند آن را مطابق با بند مشابه در آیین‌نامه چگونگی تشکیل انجمن‌های صنفی و «اساسنامه‌های تیپ» عنوان کردند. این در حالی است که همین نقد و بحث‌های پیرامون آن نیز جایی ثبت نشده و فقط در حافظه‌ی جمعی و برخی از گفت‌وگوها در فضای مجازی نشانه‌ای از آن یافت می‌شود. در صورتی که اگر همین بحث‌ها به سمع و نظر اعضای مجمع می‌رسید شاید در رأی‌گیری اثر می‌گذاشت؛ اما متأسفانه هیچ یک از این بحث‌ها برای مجمع گزارش نشده بود. به‌رحال انتخابات هیات‌مدیره دوم با این اوصاف برگزار شد.

بخش سوم

هیات مدیره دوم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران

همان‌طور که در بخش قبلی شرح داده شد، در آذر ماه ۱۳۹۶ انتخابات هیات‌مدیره و بازرسان تنها با حضور ۷۶ نفر از اعضا برگزار شد و کامبیز نوروزی با ۷۰ رأی، عباس عبدی ۶۹ رأی، آزاده محمد حسین ۴۹ رأی، مژگان جمشیدی ۴۳ رأی، پژمان موسوی ۴۳ رأی، شبنم رحمتی ۴۲ رأی و امیرعباس نخعی ۴۰ رأی به‌عنوان اعضای اصلی هیات‌مدیره و پوریا عالمی، فرید مدرسی و حمیدرضا (ایرج) اسلامی به عنوان اعضای علی‌البدل برای چهار سال انتخاب شدند و گیسو فغفوری با ۶۰ رأی و فرزاد شیرزادی ۳۶ رأی نیز به‌عنوان بازرسان انجمن برای یکسال انتخاب شدند. در اولین جلسه این هیات‌مدیره، عباس عبدی به عنوان رئیس، کامبیز نوروزی به عنوان نایب رئیس، شبنم رحمتی به عنوان خزانه‌دار و شهریار شمس‌مستوفی به عنوان دبیر انتخاب شدند. شایان ذکر است که شهریار شمس‌مستوفی در هیات‌مدیره مستعفی نیز به عنوان دبیر انتخاب شده بود. یکسال بعد در مجمع عمومی سالیانه در دی‌ماه ۱۳۹۷، مینا شهنی به جای فرزاد شیرزادی به عنوان بازرسان انتخاب شد و تا آخرین سال دوره این هیات‌مدیره ترکیب بازرسان گیسو فغفوری و مینا شهنی باقی ماند و فرزاد شیرزادی علی‌البدل بازرسان شد.

بعد از اینکه منتخبان جدید به سرعت از سوی وزارت کار تایید شدند، در فضای مجازی و در افواه بحث‌های دیگری میان هیات‌مدیره مستعفی و منتخب (و همچنین برخی از اعضا) مبنی بر دخالت مستقیم وزیر کار وقت در گرفت که باز هم متأسفانه در هیچ‌کجا به این بحث‌ها اشاره رسمی نشده است تا لاقلاً به عنوان انتقال تجربه (حتی در چگونگی توجیح یا رد این اشکالات) برای هیات‌مدیره‌های بعدی و جامعه روزنامه‌نگاری باقی بماند. تنها نشان از وجود این بحث‌ها، جای خالی برخی از فعالان هیات‌موسس و هیات‌مدیره منتخب مستعفی در ساختار فعلی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران است.

با مصاحبه‌هایی که با برخی از اعضای هیات‌موسس و هیات‌مدیره‌ی مستعفی داشتیم به این جمع‌بندی رسیدیم که بیشترین انتقاد معطوف به دخالت وزیرکار وقت در روند شکل‌گیری ساختار کنونی انجمن بود و جالب آنکه موافقان این روند طی شده، از همکاری‌های موثر وزیرکار وقت در شکل‌گیری ساختار انجمن، به عنوان نقاط مثبت یاد می‌کردند. از هر وجه که نگاه کنید وابستگی انجمن به همکاری‌های وزیرکار وقت مشهود بوده است. از طرف دیگر جناح مخالف دولت وقت نیز، وزیرکار (علی ربیعی) را متهم! به دست داشتن در تشکیل انجمن کرده بود که در قالب سؤال از علی ربیعی با امضا هفت تن از نمایندگان مجلس تقدیم هیات‌رئیس مجلس وقت شد و از سوی دیگر خانه‌کارگر نیز درمقابل تشکیل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران موضع گرفت. اتفاقاً یکی از بحث‌های مهم در روند شکل‌گیری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران استقلال این نهاد از خانه کارگر بود، تا متضمن استقلال صنف بخصوص در ارتباط با سندیکاهای بین‌المللی باشد، و جالب آنکه بر اساس «اصرار بر همین استقلال» وابستگی مالی (و حتی غیرمالی) این نهاد به وزارت‌های کار و ارشاد و همچنین شهرداری، همواره مورد نقد منتقدین انجمن قرار می‌گرفت. از سویی دیگر، برخی از کنشگران صنفی حمایت دولت و مراجع بالادستی از تشکل‌های صنفی را تنها راه بقا و فراهم شدن بستر برای تحقق خواسته‌های صنفی می‌دانستند و مدافعان این همکاری‌های تنگاتنگ به بندهای ۸ و ۱۵^۵ ماده یک اساسنامه انجمن (وظایف انجمن صنفی) ارجاع می‌دادند که لزوم همکاری با وزارت کار و وزارت ارشاد و شهرداری تهران در آن تصریح شده است.

شایان ذکر است در ۱۵ مرداد ۱۳۹۷، علی ربیعی در مجلس استیضاح و از وزارت برکنار شد. همزمان با این برکناری در مراسم افطاری که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران برگزار کرد، برگزارکنندگان مراسم، ظاهراً بدون اطلاع و تصویب هیات‌مدیره، اعلام کردند که کارت افتخاری عضویت در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران به آقای ربیعی تقدیم می‌شود. تقدیم این کارت افتخاری در همان شب و بعد از آن ولوله‌ای در بین اعضای انجمن و صنف راه انداخت که منجر به تشکیل جلسه ویژه‌ی هیات‌مدیره برای بررسی این امر شد که دست آخر این کارت افتخاری لغو شد.

براساس گزارش‌های هیات‌مدیره و بازرسان انجمن، در طی دوره هیات‌مدیره دوم، فعالیت‌هایی برای صنف انجام شد (از پیگیری مشکلات صنفی، معیشتی، و قضایی اعضا - و حتی چند همکار صنفی غیر عضو- گرفته تا برگزاری نشست‌های آموزشی، اعطای طرح ترافیک، بسته‌های اینترنتی و بسته‌های کمک معیشتی بخصوص در زمان کرونا و وام‌های قرض‌الحسنه به اعضای مورد نیاز و حتی تشکیل کمیته پیگیری آزار جنسی و حمایت از روزنامه‌نگاران آسیب‌دیده و ...). همه این برنامه‌ها با کمک و همکاری مستقیم شهرداری تهران، وزارت کار و وزارت ارشاد صورت گرفت. در این دوره همچنین با روابط خوبی که هیات‌مدیره انجمن با دولت و شهرداری تهران داشت توانست برای انجمن دفتر و سایر امکانات را نیز فراهم کند. جزییات این فعالیت‌ها همه در سایت انجمن، در خبرهای رسمی و در گزارش سالیانه بازرسان و گزارش هیات‌مدیره به تفصیل آمده است.

اما در طی همین دوره، هیات‌مدیره شاهد سه استعفا بود: آزاده محمدحسین (از اعضای اصلی) و پوریا عالمی و فرید مدرسی (از اعضای علی‌البدل). در گزارش هیات‌مدیره برای ارائه در مجمع عمومی، تنها به استعفای آزاده محمدحسین اشاره شده است. در این گزارش آمده: «در بین راه خانم آزاده محمدحسین از اعضای اصلی هیات‌مدیره از هیات‌مدیره جدا شدند و جناب آقای اسلامی بعنوان عضو علی‌البدل به عضویت اصلی درآمدند...» این درحالی است که در هیچ کجا اثری از استعفای دو عضو علی‌البدل (که باعث راهیابی ایرج اسلامی به هیات‌مدیره شد) نیست و در اخبار منتشر شده از جلسات هیات‌مدیره نیز اشاره‌ای به این استعفاها، تاریخ و دلایل آن نشده و تنها به صورت شفاهی گفته می‌شود که این سه نفر به دلایل شخصی و اشتغال زیاد استعفا داده‌اند. این در صورتی است در مصاحبه اینجانب با این سه عضو مستعفی، دلایل اصلی آنها تعارضات با روابط و مناسبات و عملکرد هیات‌مدیره یا دبیرخانه عنوان

شد. البته احتمالاً می‌بایست صورت جلسه استعفای این سه نفر موجود باشد اما آیا همه بحث‌ها و انتقادات در گرفته در این جلسات در آن صورت جلسه‌ها (به عنوان سندی از تاریخ مطبوعات) آورده شده است؟^۶

در تیرماه سال ۱۳۹۹، نامه‌ای با امضای ۱۰۰ نفر از روزنامه‌نگاران در انتقاد به عملکرد انجمن در برابر اخراج روزنامه‌نگاران منتشر شد. این نامه که با مقدمه‌ی شدیدالحنی همراه بود، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران را متهم به حمایت از کارفرمایان مطبوعاتی می‌کرد. در بخشی از این مقدمه آمده است: «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، به استناد ترکیب بعضاً کارفرمایی هیات‌مدیره، عملکرد و مواضعش در قبال بی‌ثباتی قراردادهای کاری، دستمزدهای کم و غیرقانونی و اخراج‌ها- بیانیه‌هایی که جز به «متأسفیم» و «امیدواریم» ختم نشد- از ماهیت کارگری خارج شده است. حتی در آخرین بیانیه این انجمن درباره اخراج روزنامه‌نگاران، ادبیات «متأسفیم» هم به نوعی در حمایت از کارفرما تغییر کرد.» در این نامه همچنین سه سوال از انجمن در مورد شفافیت تصمیمات و حامیان مالی و بودجه کرونا مطرح شده بود.^۷

در گزارش هیات‌مدیره برای مجمع اشاره‌ای به این نامه نشده اما در گزارش بازرسان اشاره‌ای غیرمستقیم به این صورت آمده است: «در این مدت هیچ شکایتی از هیات‌مدیره انجمن صنفی به بازرسان ارائه نشد، اما چندین بیانیه علیه اعضای هیات‌مدیره و همکاران فعال در پروژه‌های انجمن منتشر شد که بازرسان به صحت سنجی درباره موارد اعلامی پرداختند که موردی بر عدم انطباق با اساسنامه مشخص نشد و در موردی دیگر عدم تطابق با اهداف کمیته مذکور پیدا نشد.»

البته همزمان با انتشار نامه ۱۰۰ روزنامه‌نگار متن کامل آن در سایت رسمی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران بدون هیچ تحلیل یا تکذیبی عیناً آورده شده است. سه یادداشت در نقد این بیانیه از سه روزنامه‌نگار نیز در کنار این خبر کار شده است. عمده نقد به این بیانیه در این یادداشت‌ها به «عضو نبودن» امضاکنندگان معطوف می‌شد و به نظر می‌رسد از آن به بعد نیز گزاره «انجمن صرفاً در مقابل اعضا مسئول است و نه کل جامعه روزنامه‌نگاری» در گفتمان درون صنفی انجمن به عنوان گفتمان غالب مطرح شد. چنانچه عباس عبدی در سخنان خود در روز خبرنگار همان سال بر این گفتمان تاکید کرد که: «انجمن چیزی جز اعضا و کیفیت و کمیت مشارکت آنان نیست» و بعد از آن چکیده‌ای از گفته‌های عباس عبدی در سایت گذاشته شد به طوری که این گفتمان غالب شده را عملاً به صورت دستورالعمل ارائه می‌داد و درحالی که برای هیات‌مدیره دوم انجمن این گفتمان پذیرفته شده بود و در بسیاری از تحلیل‌هایشان در موارد مرتبط با انجمن نیز به آن ارجاع می‌شد^۸، برای هیات‌مدیره بعدی جایگاه چنین تفسیر و گفتمانی روشن نشده بود.

به هر حال، به دلیل شفاف نبودن موضع هیات‌مدیره انجمن در مقابل نامه ۱۰۰ روزنامه‌نگار، نقل اتفاقات برای هیات‌مدیره بعدی فقط در این خلاصه شد که: «چند نفر «مساله‌دار» عده‌ای از روزنامه‌نگاران را علیه انجمن تحریک کرده بودند و ایرادشان به مدیرمسئولی دو نفر (شهریار شمس مستوفی و امیرعباس نخعی) بوده که هیچ‌کدام سمت کارفرمایی هیچگاه نداشته‌اند.» (نقل شفاهی از طرف برخی از اعضای هیات‌مدیره پیشین). این درحالی است که در همان مقدمه شدیدالحن نامه‌ی مذکور اشاره‌ای به مشکل «مدیرمسئولی» اعضای هیات‌مدیره نیست و بحثی که مطرح می‌شود «ترکیب بعضاً کارفرمایی» هیات‌مدیره است که اتفاقاً در اساسنامه به آن مشخصاً اشاره شده است. در بند ۶ ماده دو (شرایط عضویت) اساسنامه آمده است: «نداشتن سمت صاحب امتیازی، مدیرمسئولی یا مدیرعاملی و یا هر نوع سمت کارفرمایی در مطبوعات و حوزه رسانه.» به نظر می‌رسد براساس خوانش برخی از اعضای هیات‌مدیره و دبیرخانه انجمن، شرط مورد اشاره در بند ۶ ماده دو، به «مدیرمسئول» و «صاحب امتیاز» نبودن اعضا، تقلیل داده شده و وجه «هرنوع سمت کارفرمایی» (عمداً یا سهواً) نادیده گرفته شده است. این درحالی است که طرح چنین بحثی می‌تواند برای یک تشکل کارگری بسیار هم ضروری باشد. به بیان دیگر بسیاری از مدیران مسئول و صاحب‌امتیازان در بنگاه‌های مطبوعاتی و خبرگزاری‌ها نه تنها در کسوت کارفرما نیستند بلکه برعکس ممکن است سردبیر یا بخشی از شورای سردبیری- و حتی هیات‌مدیره یا موسس آن بنگاه یا خبرگزاری

یا مطبوعه- عملاً در جایگاه کارفرمایی نشسته باشند درحالی که منع اساسنامه‌ای در حضور در تشکل و حتی در هیات‌مدیره برای آنان وجود ندارد که این امر خود چالشی جدی را در تشکل صنفی روزنامه‌نگاری ایجاد خواهد کرد. همچنین در ارجاع به نامه‌ی ۱۰۰ روزنامه‌نگار (به عمد یا غیرعمد) اشاره‌ای به نقد وابستگی انجمن به وزارت کار و شهرداری نشده و عملاً این بخش از نامه هم نادیده و بی‌پاسخ (حتی در حد بحث‌های شفاهی) گذاشته شده‌است.

در میان بحث و مسایل متعددی که در چهارسال هیات‌مدیره دوم انجمن درگرفت (که در بالا به آن اشاره شد)، جلسه‌ی مهم دیگری هم برگزار شده بود که برخلاف بقیه مسایل به هیچ عنوان در افواه مطرح نشد. گویا به دنبال اختلافات زیاد برخی از اعضای هیات‌مدیره با دبیرخانه انجمن، آقای عبدی جلسه‌ای با دستور تغییر و جایگزینی فردی دیگر برای سمت دبیری و کارمند دبیرخانه انجمن پیشنهاد می‌کند. ظاهراً جریان از این قرار بوده است که خانم تبسم نمازی (همسر آقای شه‌ریار شمس مستوفی دبیر وقت انجمن) در پاییز سال ۱۳۹۸، به عنوان کارمند دبیرخانه استخدام شده بود. تا قبل از این نامی از ایشان در فعالیت‌های هیات‌موسس و هیات‌مدیره و کمیته‌های انجمن دیده نمی‌شود. شایان ذکر است که طبق ماده ۲۶ اساسنامه، انجمن می‌تواند از خارج از هیات‌مدیره دبیر استخدام کند و همچنین با تصویب هیات‌مدیره، کارمندان دبیرخانه و همچنین دبیر انجمن حقوق ماهیانه مکفی دریافت خواهند کرد. اگرچه دلیل تشکیل جلسه‌ی فوق برای تعیین جایگزین برای دبیرخانه به صورت شفاف روشن نیست ولی گفته می‌شود که تعارضات دبیرخانه با برخی از اعضای هیات‌مدیره و کمیته‌ها دلیل آن بوده است. به هر صورت در آن جلسه آقای شه‌ریار شمس مستوفی (دبیر انجمن) اذعان می‌دارد که در صورت برکناری خانم تبسم نمازی ایشان نیز از سمت خود استعفا خواهند داد و بدین ترتیب در جلسه مذکور که با حضور یکی دو نفر از اعضای هیات‌موسس در دفاع از دبیرخانه تشکیل شده بود هیات‌مدیره به تغییر در دبیرخانه رای نمی‌دهد. (احتمالاً صورت جلسه‌ی فوق در دفاتر انجمن باید موجود باشد، اگرچه مشخص نیست آیا جزییات بحث‌های مربوطه ثبت شده است یا نه). این اتفاق، در ظاهر بسیار ساده و قابل چشم‌پوشی است ولی جزیانات بعد از آن، باعث شد که اعضای هیات‌مدیره منتخب و پیشین بارها در طول مصاحبه‌ها و تحقیقات اینجانب به این جلسه اشاره‌ای داشته باشند.

در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۹، هیات‌مدیره‌ی دوم انجمن بیشتر درگیر مباحث پاندمی کرونا و مهم‌تر از همه برگزاری مجمع عمومی برای تعیین هیات‌مدیره جدید و همچنین مبحث «سراسری شدن» انجمن بود. طبق سوابق مندرج در سایت انجمن و برطبق قوانین و آیین‌نامه‌های بالادستی و همچنین اساسنامه انجمن، اعتبار دوره هیات‌مدیره وقت به سرآمده و آنها ملزم به تشکیل مجمع برای تعیین هیات‌مدیره بعدی بودند اما ظاهراً مساله کرونا این اقدام را به تاخیر انداخته بود.

بخش چهارم

ماجرای مجمع عمومی‌ای که به تاخیر افتاد

بر طبق ماده ۱۷ اساسنامه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، هیات‌مدیره تنها ۳ سال اعتبار دارد. و بنا بر ماده ۲۳، اعتبار قانونی هیات‌مدیره‌ی دوم انجمن که در مجمع عمومی آذرماه ۹۶ انتخاب شده بود، با اتمام پاییز ۹۹ به پایان می‌رسید. اما بنا بر تبصره همین ماده تا «تعیین» هیات‌مدیره جدید همچنان مسئولیت امور انجمن برعهده‌ی این هیات‌مدیره است.^۹

با بررسی اخبار منتشرشده از جلسات هیات‌مدیره انجمن، اولین بار در جلسه‌ی هفته اول بهمن ماه ۱۳۹۹، اشاره‌ای به تاخیر در برگزاری مجمع عمومی می‌شود. در این خبر آمده است: «پیگیری وضعیت برگزاری مجمع عمومی سالانه به دلیل شیوع ویروس کرونا

از سوی وزارت کار معوق شده است.» و در خبر تکمیلی آمده است: «در پی درخواست انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برای برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه و برگزاری انتخابات هیات‌مدیره و بازرسین که می‌باید دی ماه برگزار شود، «اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران» با استناد به بخشنامه مورخ ۹۹/۹/۲۹، وزارت کار اعلام کرد به دلیل شیوع کرونا فعالیت انجمن‌ها با همان هیات‌مدیره و بازرسین ادامه یابد تا شرایط برگزاری مجمع فراهم شود.»

فارغ از آنکه تاریخ دقیق صدور بخشنامه فوق‌الذکر ۹۹/۱۰/۲۹ است، طبق این بخشنامه اعتبار فعالیت‌های تشکلی‌های کارگری و کارفرمایی تا ۲۰ فروردین ۱۴۰۰ تمدید شده بود. بالاخره در جلسه دهم اسفند هیات‌مدیره، همزمان با بررسی امکان برگزاری مجمع عمومی به شکل مجازی، برگزاری آن را به صورت حضوری مصوب کرد و مقرر شد با همراهی وزارت کار، این مجمع در فضای باز و به صورت حضوری برگزار شود. در آگهی برگزاری مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده (نوبت اول) اعضا برای روز دهم اردیبهشت در محل آمفی‌تئاتر پارک گفت‌وگو دعوت شدند. این مجمع برخلاف آنچه در اخبار و آگهی‌های مربوط آمده بود به صورت ترکیب آنلاین و حضوری برگزار شد؛ ولی همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد حدنصاب لازم را کسب نکرد و برگزاری مجمع به نوبت دوم موکول شد.

آگهی دعوت نوبت دوم مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده انجمن در تاریخ ۱۶ اردیبهشت در روزنامه اطلاعات چاپ شد. در این آگهی مشخصاً تصریح شده بود که مجمع عمومی عادی فوق برای انتخاب «هیات‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران» برگزار می‌شود و همچنین هیچ اشاره‌ای به برگزاری آنلاین یا ترکیبی این مجمع و انتخابات نشده، بلکه صریحاً نوشته شده بود که این دو مجمع در محل دفتر انجمن برگزار می‌شود. دستور جلسه برای این مجامع یادشده در هفت بند مشتمل بر: ۱- تغییر وضعیت از استانی به سراسری ۲- تغییر نام انجمن صنفی سراسری روزنامه‌نگاران ۳- تصویب تغییرات اساسنامه برای تبدیل وضعیت ۴، ۵ و ۶- استماع گزارش هیات‌مدیره، خزانه‌دار و بازرسان و ۷- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیات‌مدیره و بازرسان؛ تعیین شده بود که سه دستور اول در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده و مابقی دستورها در صلاحیت مجمع عمومی عادی قرار داشت. شایان ذکر است نه در آگهی و نه در دستور جلسه و نه در صورتجلسات این مجامع به برگزاری مجازی آنها اشاره‌ای نشده است. نکته دیگر در این میان آن است که عبارت «مجمع عمومی و فوق‌العاده» از نظر حقوقی خالی از اشکال نیست؛ چراکه مجمع عمومی خود به دو مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده تقسیم می‌شود، نه آنکه به اولی مجمع عمومی گفته شود و دومی مجمع فوق‌العاده خوانده شود.

اضافه بر این اشکالات شکلی، (که اگرچه قابل چشم‌پوشی هستند اما با توجه به مسایلی که بعدها پیش می‌آید می‌تواند نشانه‌ای از کم‌توجهی دبیرخانه انجمن نسبت به مباحث اداری مربوطه باشد) مساله فعالیت‌های چشمگیر یکی از نامزدهای هیات‌مدیره، یعنی خانم تبسم نمازی (کارمند وقت دبیرخانه)، در دوران تدارک عملیات برگزاری مجامع، حین برگزاری انتخابات و هنگام شمارش آرا، مورد اعتراض برخی از اعضا قرار گرفت و به سمع و نظر بازرسان نیز رسید. استدلال این معترضان معطوف به دخالت نامبرده در اموری بود که انحصار در صلاحیت هیات‌رئیس و ناظران مجامع قرار داشت. حتی اگر این فعالیت‌ها به استناد سمت نامبرده در دبیرخانه انجمن توجیه شود، کاملاً مشخص است که در اختیار داشتن و استفاده از امکانات انجمن و دبیرخانه در روند برگزاری این انتخابات، انتخاب‌شونده را در موقعیتی نابرابر و غیرمنصفانه در برابر سایر نامزدها قرار می‌دهد. علاوه‌براین بر اساس برخی گزارش‌های رسیده به بازرسان، نامزد مذکور قبل از برگزاری مجمع با اکثر اعضا تلفنی صحبت کرده و ضمن معرفی خود، از آنان برای شرکت در انتخابات دعوت به عمل آورده یا به راهنمایی آنها برای شرکت در برنامه مجازی پرداخته است.

به هر حال انتخابات در تاریخ ۲۴ خرداد ماه برگزار می‌شود و افراد زیر برای هیات‌مدیره جدید انتخاب می‌شوند: تبسم نمازی با ۱۵۲ رای، کامبیز نوروزی با ۱۴۲ رای، حسن نمکدوست تهرانی با ۱۳۵ رای، داود محمدی با ۹۵ رای، اعظم ویسمه با ۹۲ رای، سیدپژمان موسوی با ۸۳ رای و نفیسه زارع‌کهن با ۷۵ رای به عنوان اعضای اصلی؛ امیرعباس نخعی با ۶۶ رای، مینا شهنی با ۶۶ رای و

حمیدرضا (ایرج) اسلامی با ۴۵ رای به عنوان اعضای علی‌البدل. گیسو فغفوری با ۱۱۱ رای و لیلی فرهادپور با ۶۹ رای به عنوان بازرسان اصلی و فرزاد شیرزادی با ۶۰ رای به عنوان بازرس علی‌البدل.

بخش پنجم

هیات مدیره منتخب ۱۴۰۰ و آغاز ماجرا

همان‌طور که شرح داده شده در مجمع عمومی روز ۲۴ خرداد ماه ۱۴۰۰، اعضای هیات‌مدیره جدید انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران (که با رای اعضا به سراسری تغییر وضعیت داده شد) انتخاب شدند. با معرفی اعضای هیات‌مدیره‌ی منتخب می‌توان به پیش‌فرض‌هایی رسید که در ادامه در تحلیل و نتیجه‌گیری مخاطبان این گزارش تاثیرگذار خواهد بود.

- خانم تبسم نمازی: همسر آقای شهریار شمس مستوفی (دبیر انجمن)، کارمند دبیرخانه، فعال در کارگروه طرح ترافیک و کمیته رفاهی و همکاری با کمیته‌عضویت، قبل از این سابقه‌ی فعالیت شاخص صنفی نداشته است.
- آقای کامبیز نوروزی: نایب‌رییس هیات‌مدیره دوم، سابقه فعالیت شاخص صنفی در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران و تهران داشته است.
- آقای حسن نمک‌دوست: استاد دانشگاه، نظریه‌پرداز و پژوهشگر در علوم ارتباطات، سابقه همکاری با انجمن صنفی روزنامه‌نگاران داشته است. وی با دعوت مستقیم آقای عباس عبدی (رییس هیات‌مدیره دوم) و اصرار برخی دیگر از اعضای شاخص (آقایان امیرعباس نخعی و کامبیز نوروزی) و همچنین پیگیری دبیرخانه انجمن کاندیدا شد.
- آقای داوود محمدی: عضو هیات موسس، عضو هیات مدیره اول انجمن (که جمیعاً در اعتراض به رد صلاحیت‌ها در آن هیات‌مدیره استعفا دادند)، طبق تبصره ۳ ماده ۲۲ اساسنامه‌ی انجمن ایشان به دلیل استعفا نمی‌توانستند در انتخابات دوم (دوره پیشین) کاندیدا شوند. ایشان جزو رد صلاحیت‌شدگان هیات‌مدیره اول نبودند.
- خانم اعظم ویسمه: عضو انجمن روزنامه‌نگاران ایران، عضو هیات موسس و عضو هیات مدیره اول انجمن روزنامه‌نگاران تهران. وی جزو رد صلاحیت‌شدگان هیات‌مدیره اول بود. اعظم ویسمه نیز با دعوت و اصرار برخی از اعضای هیات‌مدیره دوم و همچنین آقای عبدی (که از سابقه رد صلاحیت ایشان آگاه بودند) کاندیدا شدند.
- آقای پژمان موسوی: عضو هیات موسس، عضو اصلی هیات‌مدیره دوم، دبیر کمیته روابط عمومی و اطلاع‌رسانی انجمن. دارای فعالیت‌های شاخص صنفی در انجمن روزنامه‌نگاران ایران و تهران.
- خانم نفیسه زارع‌کهن: عضو هیات موسس، مدرس دانشگاه، دارای فعالیت‌های شاخص صنفی و مدنی.
- همچنین شایان ذکر است که هر سه عضو علی‌البدل، در هیات‌مدیره قبلی حضور داشتند و گیسو فغفوری (بازرس اول) در هیات‌موسس و در هیات‌مدیره اول و دوم نیز حضور داشت و دارای فعالیت‌های شاخص صنفی در انجمن روزنامه‌نگاران تهران بوده است و لیلی فرهادپور (بازرس دوم) بعد از تعلیق انجمن روزنامه‌نگاران ایران هیچ فعالیت صنفی نداشته اما با دعوت و اصرار آقای عبدی کاندیدای بازرسی در این دوره شد. فرزاد شیرزادی (بازرس علی‌البدل) در تمام دوران انجمن صنفی ایران و تهران از فعالان صنفی بوده است.

بلافاصله بعد از برگزاری مجمع عمومی و «تعیین» هیات‌مدیره‌ی جدید، آقای شهریار شمس مستوفی (دبیر هیات‌مدیره قبلی انجمن) در پیامی در واتس‌آپ اعلام می‌کند که در هفته بعد از انتخابات، جلسه‌ای در محل انجمن تشکیل می‌شود. ایشان تاکید می‌کند که همه اعضای هیات‌مدیره قبلی و هیات‌مدیره منتخب می‌بایست در این جلسه حضور یابند. ولی دستور جلسه‌ای برای آن ذکر نمی‌شود و تنها به این بسنده می‌شود که باید صورت‌جلساتی به امضا برسد. جلسه مذکور روز یکشنبه ۳۰ خرداد (بدون اعلام دستور جلسه مشخص) تشکیل شد. در این جلسه آقای شهریار شمس مستوفی اعلام می‌کند که هیات‌مدیره منتخب ملزم است تا یک هفته بعد از انتخابات (یعنی تا فردای آن روز) رییس، نایب‌رییس، دبیر و خزانه‌دار را انتخاب کند تا به وزارت کار اعلام شود. این کار بنا بر ماده ۱۸ اساسنامه می‌بایست در اسرع وقت انجام می‌گرفت. با این حال هیات‌مدیره منتخب خود را معرض عملی انجام‌شده یافت چون

ملزم شده بود بلافاصله و بدون تحقیق و مشورت رییس، نایب‌رییس، دبیر و خزانه‌دار را انتخاب کند. البته این اشکال به هیات‌مدیره منتخب وارد است که چرا به مقررات و ضوابط حاکم بر انجمنی که در آن به سمت هیات‌مدیره انتخاب شده‌اند، آگاهی کامل نداشتند.

در این میان برخی از اعضای هیات‌مدیره قبلی (که نامشان پیش نگارنده محفوظ است) به برخی از اعضای منتخب هشدار می‌دهند و آنها را مصرانه از انتخاب خانم تبسم نمازی به عنوان دبیر برحذر می‌دارند. با توجه به اطلاع نداشتن اعضای جدید هیات‌مدیره منتخب از جزئیات تاریخچه انجمن و روابط و مناسبات در آن (آنچه در قسمت‌های قبلی این گزارش آمده است) این برخورد، دوباره شوک جدیدی به هیات‌مدیره منتخب (بخصوص اعضای جدید) وارد می‌کند. مضافاً بر اینکه نامبرده دارای بالاترین رای در انتخابات بوده است. برخی منتخبان جدید پیشنهاد می‌دهند لااقل برای معرفی دبیر (از خارج از هیات‌مدیره بر طبق اساسنامه) مهلت بیشتری به هیات‌مدیره بدهند که این پیشنهاد نیز با همین استدلال که وقت قانونی ندارند، پذیرفته نمی‌شود و آنان متقاعد می‌شوند که مجبورند همان روز و در همان ساعت دبیر را نیز انتخاب کنند. آقای شهریار شمس مستوفی در مقابل پیشنهاد برخی اعضای هیات‌مدیره منتخب بر حفظ سمت ایشان در جایگاه دبیری انجمن، خانم تبسم نمازی (همسر خود) را به عنوان دبیر کاندیدا می‌کند و با این استدلال که لازمی دبیری انجمن شناخت کامل از فرآیندهای مرتبط با وزارت کار و همچنین داشتن اطلاع کافی از روابط اداری در این وزارتخانه است و با اشاره به سابقه‌ی کار خانم تبسم نمازی در دبیرخانه انجمن، به دفاع جانانه‌ای از وی می‌پردازد. آقایان کامبیز نوروزی و داوود محمدی علناً نظر ایشان را تایید می‌کنند و بدین ترتیب مشخص می‌شود که با احتساب رای خود خانم تبسم نمازی ایشان سه رای قطعی برای انتخاب شدن در سمت دبیری دارند.

با توجه به شرایط پیش‌آمده، برخی از اعضای هیات‌مدیره‌ی منتخب، تقاضای رای مخفی می‌کنند. آقای کامبیز نوروزی مخالفت می‌کند ولی اکثریت خواهان رای‌گیری مخفی می‌شوند. در رای‌گیری انجام شده خانم تبسم نمازی با چهار رای در مقابل سه رای دبیر می‌شود. شایان ذکر است که تا چهار ماه بعد، خانم تبسم نمازی و بقیه اعضا فکر می‌کردند که آقای حسن نمک‌دوست به خانم تبسم نمازی رای نداده است، که این مساله به یکی از اختلافات در هیات‌مدیره و اتهام «فراکسیون بازی» تبدیل می‌شود. به هر حال بعدها مشخص شد رای آقای حسن نمک‌دوست به خانم تبسم نمازی بود.^{۱۱}

در جلسه مذکور آقای حسن نمک‌دوست به عنوان رییس هیات‌مدیره انجمن (با رای همه رای‌دهندگان: ۷ رای) و آقای داوود محمدی به عنوان نایب رییس (با رای همه رای‌دهندگان: ۷ رای) و خانم نفیسه زارع‌کهن به عنوان خزانه‌دار (با رای همه رای‌دهندگان: ۷ رای) انتخاب می‌شوند.

پیش از تشکیل رسمی جلسه‌ی اول هیات‌مدیره جدید، آقای حسن نمک‌دوست با ارجاع به توضیحات خانم تبسم نمازی در خصوص اینکه تا اعلام «تایید» اعضای منتخب توسط مراجع ذی‌صلاح! عملاً امکان «ثبت» انتخابات وجود نخواهد داشت، مطرح می‌کند که: «اگر همه موافق باشند بنابر تجربه شش ساله‌ی ایشان در انجمن ترویج علم، هیات‌مدیره جدید می‌تواند کارها را در دست بگیرد و فرآیندهای اداری را که احتیاج به امضاء دارد، بنابر اعتماد فی‌مابین توسط هیات‌مدیره قبلی انجام دهد.»^{۱۲} شایان ذکر است که چنین روندی در تمامی تشکلهای صنفی (کارگری و غیرکارگری) به صورت معمول طی می‌شود. با گفت‌وگو با چند بازرس تشکلهای مربوطه حتی به این اطلاعات رسیدم که گاهی ثبت هیات‌مدیره‌های جدید بیش از یکسال زمان می‌برد و با توجه به عمر سه یا چهارساله‌ی هیات‌های مدیره، عملاً صبرکردن تا طی شدن تمام مراحل ثبت عملکرد هر انجمنی را فشل خواهد کرد. بنابراین، به صورت قانونی نانوشته، عرف چنین است که در زمان طی دوره‌ی انتقال، هیات‌مدیره‌های منتخب در انجمن متبوع خود مستقر می‌شوند و مصوبات و کارهای خود را به روال انجام می‌دهند و هر وقت احتیاجی به امضای رسمی از طرف تشکل بود صاحبان امضای قبلی این کار را انجام خواهند داد.

بدین ترتیب از تاریخ ششم تیرماه جلسات هیات‌مدیره هر هفته (به طور مجازی و حضوری) تشکیل می‌شود که این جلسات مصوباتی نیز داشته است. صورت جلسه تشکیل این جلسات در دبیرخانه انجمن ثبت شده و همچنین اخبار مربوط به مصوبات در سایت انجمن موجود است. این جلسات مستمر هیات‌مدیره، خروجی‌هایی هم داشت: مانند بازتاب فعالیت انجمن در مورد ماجرای تاسف‌بار واژگونی اتوبوس روزنامه‌نگاران محیط‌زیست، تلاش برای تشکیل کارگروه بیمه، تعیین فهرستی برای تشکیل جمع مشورتی، پیگیری فعالیت کمیته عضوگیری، بررسی تعدیل نیرو در روزنامه اعتماد، تغییر کیفی و ماهوی سایت و بیانیه مخالفت با طرح صیانت... البته اختلافاتی هم در این جلسات بروز می‌کرد که به نظر می‌رسید امری بسیار طبیعی است.

یکی از اختلافات مهم به تفاوت دیدگاه نسبت به «مسئولیت در قبال جامعه روزنامه‌نگاری» در مقابل دیدگاه «مسئولیت انجمن در قبال اعضا»، برمی‌گشت که منجر به بروز اختلاف و بحث‌ها، در کلان و در جزئیات، می‌شد.^{۱۳} شایان ذکر است که در میانه‌ی این بحث‌ها، نامه‌ی اعتراضی از یکی از اعضا به دست نگارنده (به عنوان بازرس) رسید مبنی بر اینکه چرا در مجمع خرداد ماه تعیین تکلیف اعضایی که حق عضویت خود را پرداخت نکرده بودند (که تعدادشان هم قابل ملاحظه بود) بررسی نشده است. به نظر می‌رسید تعویق بررسی این شکایت به «مصلحت» شرکت همه اعضا در مجمع عمومی مرتبط می‌شد. به هر حال مشخص بود که شرکت اکثریت «اعضا» در مجمع عمومی اعم همه موارد لااقل برای دبیرخانه انجمن بوده است.

ضمناً در طرح موضوع روزنامه‌نگاران اخراجی روزنامه اعتماد، نیز این بحث مطرح شد (بخصوص از سوی دبیر منتخب) که آنان نه تنها عضو انجمن نیستند بلکه از امضاکنندگان نامه اعتراضی ۱۰۰ نفر (که در بخش قبلی شرح مفصل داده شد) هستند. دبیر انجمن، همچنین تعدیل نیرو را حق هر کارفرمای بخش خصوصی در همه جای دنیا دانست و اعتراض کرد چرا درخصوص تعدیل نیرو در نهاد مطبوعاتی دولتی که از اعضای انجمن هم هستند، کاری انجام نمی‌شود. این مباحث دبیر در کلیات اغلب مورد حمایت آقایان کامبیز نوروزی و داوود محمدی (با استناد به وظیفه انجمن در قبال اعضا) قرار می‌گرفت و البته آقای کامبیز نوروزی بحث مسئولیت عام انجمن را در موارد خاصی می‌پذیرفت. از سوی دیگر خانم‌ها اعظم و یسمه و نفیسه زارع‌کهن در اغلب موارد با استناد به مواد دیگری از اساسنامه، انجمن را موظف به دفاع از همه روزنامه‌نگاران بخصوص در مقابل کارفرما می‌دانستند و تذکر می‌دادند که در پیش گرفتن چنین رویکردی که عملکرد انجمن را صرفاً به ارائه خدمات به اعضای خود محدود می‌کند (آن هم انجمنی که تعداد اعضایش به نسبت کل جامعه روزنامه‌نگاری دارای درصد بسیار کمی است)، بیشتر باعث دلسردی و بی‌علاقگی روزنامه‌نگاران برای ورود به انجمن می‌شود تا ایجاد انگیزه برای آنان. و پژمان موسوی نیز معتقد بود: «می‌بایست به کل جامعه روزنامه‌نگاری توجه داشت و فقط در خصوص مسایل رفاهی و خدماتی صرفاً در مقابل اعضا مسئولیم.» به هر حال جریان روزنامه‌نگاران شاکی از روزنامه اعتماد با گفت‌وگوهای آقایان کامبیز نوروزی، داوود محمدی و نمک‌دوست با خبرنگاران اخراجی و گفت‌وگوی مستقیم آقای عباس‌عبدی با الیاس حضرتی (مدیرمسئول و کارفرمای روزنامه اعتماد) ادامه یافت که سرانجام ارسال نامه‌ای از سوی مدیرمسئول و کارفرمای روزنامه اعتماد به دبیرخانه انجمن موضوع تمام‌شده اعلام شد و در خبری در سایت انجمن با اعلام توافق با مدیرمسئول و سردبیر روزنامه اعتماد یعنی کارفرمایان (با ذکر نام آنها و بدون ذکر نام روزنامه‌نگاران شاکی تعدیل شده) خاتمه این مورد را با تأکید بر قول پیگیری مطالبات روزنامه‌نگاران از سوی کارفرما تأیید شد که انتشار این خبر با واکنش منفی روزنامه‌نگاران شاکی مواجه شد چون هیچ‌جا اثری از بحث‌های درگرفته در این خصوص نبود.^{۱۴}

شایان ذکر است آقای حسن نمک‌دوست نه تنها از نظر کلی با دیدگاه «مسئولیت در قبال جامعه روزنامه‌نگاری» موافق بود بلکه این رویکرد به نوعی برایش فلسفه وجودی او در انجمن نیز به حساب می‌آمد. داستان کاندیدا شدن ایشان می‌تواند در درک مباحث پیش‌آمده کمک‌کننده باشد.

در زمستان ۱۳۹۹، آقای عباس عبدی با آقای نمک‌دوست تماس می‌گیرد و با استناد به اینکه انجمن به کسی احتیاج دارد که ارتباط بین نسل قدیم و جدید روزنامه‌نگاران و همچنین ارتباط بین دانشگاه و حرفه را ایجاد کند، ایشان را برای کاندیداتوری در هیات‌مدیره انجمن دعوت می‌کند (و پیش‌بینی می‌کند که پست ریاست انجمن را هم بپذیرند). آقای نمک‌دوست ابتدا از قبول دعوت آقای عباس عبدی برای کاندیداتوری در انتخابات هیات‌مدیره استنکاف می‌کند. پس از آن جلساتی با ابتکار آقای عبدی و با حضور آقایان شهریار شمس مستوفی و کامبیز نوروزی جهت قانع کردن ایشان برگزار می‌شود. در این جلسات مباحثی مطرح می‌شود که رویکرد آقای نمک‌دوست را به قضیه کاملاً روشن می‌سازد. چشم‌انداز ایشان این بود که: «با تغییر کاملی که در دولت و حوزه سیاست پیش خواهد آمد، امکانات و تعاملاتی که برای انجمن (در نهادهایی مانند وزارت کار و وزارت ارشاد و شورای شهر) مهیا بود احتمالاً کمتر و کمتر خواهد شد ولی می‌توان این را به فال نیک گرفت چون بدین ترتیب انجمن اتکایش به خود جامعه روزنامه‌نگاری خواهد شد و استقبال از اعضای بیشتر و بخصوص اعضای که صاحب‌نظر و صاحب‌نام هستند که ما را به این سمت خواهد برد. در واقع ما باید از تمام پتانسیل معطل مانده جامعه روزنامه‌نگاری در امور صنفی استفاده کنیم و با جذب آنها پیرامون انجمن سپر محافظتی و حمایتی از جنس خود جامعه روزنامه‌نگاری ایجاد کنیم. بدین ترتیب می‌توانیم در بزنگاه‌هایی مانند توقیف رسانه‌ها و یا دستگیری همکاران و حتی فراهم کردن فرصت‌های رفاهی از سرمایه اجتماعی قابل توجه خود حرفه و امکان تعامل چهره‌های شاخص روزنامه‌نگاری بهره بگیریم. و از طرف دیگر فرصت گفت‌وگو را به وسیله این بزرگان با حکومت فراهم کنیم و مهم‌تر از همه اعتماد جامعه روزنامه‌نگاری را نسبت به انجمن صنفی (که قرار است سراسری هم شود) بالا ببریم که حداقل دستاورد آن بالا رفتن شمار اعضا و در نهایت تقویت هر چه بیشتر این نهاد صنفی خواهد بود.»^{۱۵}

با طرح چنین مباحثی در واقع تشکیل جمع‌مشورتی در کنار انجمن تبدیل به شرط حضور نمک‌دوست برای حضور در انتخابات شد و مورد قبول آقای عباس عبدی قرار گرفت و ایشان طرح مدون شده توسط آقای نمک‌دوست را در هیات‌مدیره وقت ارائه کرد که همان موقع به تصویب هم رسید. به هرحال آقای نمک‌دوست این طرح را دوباره در جلسات هیات‌مدیره منتخب نیز مطرح کرد و فهرست پیشنهادی خود را نیز ارائه داد^{۱۶} که بعد از کمی بحث مورد تایید هیات‌مدیره منتخب نیز قرار گرفت. یکی از بحث‌ها بر سر حضور نماینده‌ای از طرف کانون وکلا در این جمع بود که با مخالفت آقای کامبیز نوروزی روبه‌رو شد و اعضای هیات‌مدیره همگی به احترام ایشان به حذف آن رای دادند. شایان ذکر است که در رای‌گیری در خصوص همه موارد فوق نشانی از دسته‌بندی بین اعضای اصلی هیات‌مدیره (اتهام رفتار فراکسیونی) وجود نداشت و رای‌ها معمولاً غیرقابل پیش‌بینی و حسب مورد شناور بود.

در جلسات بعدی، آقای حسن نمک‌دوست بنا بر ظرفیت پیش‌بینی شده در اساسنامه و براساس همان استدلال قبلی، مبنی بر اینکه در دوره جدید، روابط فزاینده‌ای کارآمدی لازم را نخواهد داشت و به منظور تقویت اعتبار نهاد صنفی و «جذب حداکثری اشخاص» پیشنهاد تهیه فهرست منتخبان برای دریافت کارت افتخاری انجمن را طرح کرد. شایان ذکر است که در این جلسه به طور اتفاقی آقای کامبیز نوروزی حضور نداشت. بعد از تصویب پیشنهاد آقای نمک‌دوست و همچنین تعیین دبیر کمیته‌های عضوگیری، آموزش و حقوقی در آن جلسه، موردی پیش‌آمد که اولین تنش جدی را به همراه داشت: مصوبات آخرین جلسه در خبر منتشر شده در سایت انجمن درج نشد که دبیرخانه علت آن را ایرادهای شکلی آقای کامبیز نوروزی به مصوبات عنوان کرد. این امر اعتراض‌هایی جدی بخصوص از سوی خانم‌ها اعظم ویسمه و نفیسه زارع‌کهن، را در پی داشت. آن دو معترض بودند که چرا مصوبات هر جلسه می‌تواند توسط فرد غایب در آن جلسه رد شود. شایان ذکر است که اعتراض‌های همزمان دو عضو اصلی هیات‌مدیره از نحوه سازوکار درپیش‌گرفته‌شده، با واکنش تند خانم تبسم نمازی روبه‌رو شد و اینجا بود که او در پستی در گروه واتس‌آپ، خانم‌ها اعظم ویسمه و نفیسه زارع‌کهن را متهم به تشکیل فراکسیون کرد. اما پژمان موسوی نیز به عنوان دبیر کمیته اطلاع‌رسانی به نوبه خود به نحوه

اطلاع‌رسانی و محدود شدن از سوی دبیرخانه، اعتراض و تاکید کرد که برای حل این اختلافات تشکیل جلسات حضوری ضروری است. از سوی دیگر کامبیز نوروزی در خصوص این اعتراضات، در گروه واتس‌آپی جنین نوشت:

▪ «... حتما باید مصوبات هیات مدیره محترم شمرده شوند ولی این امر مانعی برای تغییر و اصلاح آنها نیست... در مورد شورای مشورتی و بخصوص کارت افتخاری برخی نکات اشکالات حقوقی و عرفی مهم وجود داشت که من بعد از خواندن صورت جلسه متوجه آنها شدم...»

در ابتدا این گونه به نظر می‌رسید که با وجود اختلافات، سعی بر آن است که با ایجاد همدلی مباحث پیش برود و به همین دلیل با اصرار آقای حسن نمک‌دوست، آقایان داوود محمدی و کامبیز نوروزی نیز قبول کردند که این مباحث بهتر است صرفاً در جلسات حضوری مطرح شود و حتی از سوی آقایان محمدی و نوروزی مطرح شد که مصوبات مهم بهتر است در جلساتی به بحث گذاشته شود که کلیه اعضای هیات‌مدیره در آن شرکت دارند تا همه دیدگاه‌ها در مصوبه‌ها لحاظ شود. این درحالی بود که آقای کامبیز نوروزی در گفت‌وگوهای مندرج در گروه واتس‌آپی مخالفت شدید خود را با فهرست پیشنهادی آقای نمک‌دوست جهت دریافت کارت افتخاری انجمن مطرح کرده بود.^{۱۷}

درگیرودار همین بحث‌ها، ناگهان شنیده شد که مشاجره‌ای تلفنی مابین آقایان کامبیز نوروزی و حسن نمک‌دوست در گرفته که منجر به تصمیم به استعفای آقای نمک‌دوست شده است. در تحقیقات بعدی دریافتم که مباحث مورد تنش از مخالفت آقای نوروزی بر اصرار آقای نمک‌دوست در برگزاری جلسات حضوری تا مخالفت با اعضای پیشنهادی در جمع مشورتی و بخصوص فهرست اعطای کارت افتخاری را شامل می‌شد. همچنین اعتراض برخی از اعضا به نحوه دبیری خانم نمازی (ندادن گزارش دقیق از نحوه مراحل تایید و ثبت مجمع و هیات‌مدیره در وزارت کار و حذف دستورجلسات و مصوبه‌ها از صورت جلسات و اعمال نظر آقای نوروزی در این موارد) هم مطرح شده بود و گویا در بیشتر این موارد آقای نوروزی «تشخیص» خود را به دلیل داشتن تجربه‌ی بیشتر در انجمن درست‌تر از تشخیص رییس هیات‌مدیره دانسته به طوریکه حتی خودشان را واجد تعیین نحوه برگزاری جلسات خوانده بود و نمک‌دوست عصبانی شده و کار به مشاجره شدید کشیده بود.

به هر صورت شایعه این اختلافات و استعفای آقای نمک‌دوست در بین هیات‌مدیره و بازرسان پیچید. تعدادی از اعضای هیات‌مدیره (خانم‌ها اعظم و یسمه و نفیسه زارع‌کهن و آقای پژمان موسوی) و دو بازرس (خانم‌ها گیسو فغفوری و لیلی فرهادپور) تلاش کردند با صحبت با طرفین ماجرا، مساله را حل کنند. حتی مساله را با آقای عباس عبدی (به منظور پایداری) در میان گذاشتند. به نظر آقای عبدی اختلاف عقیده‌ها قابل حل بود و اعتراض به نحوه‌ی عملکرد دبیر انجمن نیز می‌توانست در جلسه‌ای مطرح و برای تعیین دبیری دیگر یا تثبیت وی دوباره رای‌گیری شود. در همین رابطه دیداری با آقای نوروزی در دفترشان انجام شد و همچنین تلاش شد جلسه‌ای با حضور آقای محمدی برگزار شود که از طرف ایشان لغو شد.

بدین ترتیب سه نفر از اعضای هیات‌مدیره و بازرسان از آقای نمک‌دوست خواستند جلسه هفتگی معمول هیات‌مدیره در تاریخ هفتم شهریور تشکیل شود. (توجه داشته باشید که تا این تاریخ یعنی از هفته آخر خرداد تا هفته اول شهریور جلسات هفتگی هیات‌مدیره بدون هیچ وقفه‌ای -آنلاین یا حضوری - برگزار می‌شد). قرار بود دستور جلسه‌ی فوق، بررسی همین اختلافات که منجر به استعفای آقای حسن نمک‌دوست شده بود و همچنین بحث «استیضاح» دبیر باشد ولی روز قبل از آن، آقای نمک‌دوست ضمن اعلام برگزاری جلسه فردا در واتس‌آپ گروه، به عنوان دستور جلسه چنین نوشت:

«خواهش می‌کنم اعضای اصلی هیات مدیره و بازرسان محترم حتماً در جلسه حضور داشته باشند. دستور جلسه مهمی است که لازم است در جریان جزئیات امر قرار بگیرد.»

جلسه مذکور در ساعت ده و نیم صبح در محل انجمن (طبق روال هفته‌های قبل) تشکیل شد. اما در آن جلسه خبری از مباحث گفته‌شده در بالا نبود. در آغاز جلسه آقای حسن نمک‌دوست شرح داد که خانم تبسم نمازی، دبیر انجمن، مساله‌ای را مطرح کرده که مهمتر از مباحث دیگر است و آن این است که وزارت کار به ایشان گفته فعالیت هیات‌مدیره جدید «غیرقانونی» است.^{۱۸} این شوک دوباره به هیات‌مدیره جدید این بار بی‌پاسخ نماند و برخی از اعضا در مقابل این ادعا، درخواست سند و مدرک می‌کنند. ابتدا خانم تبسم نمازی و آقای کامبیز نوروزی به ماده ۲۳ اساسنامه ارجاع می‌کنند.^{۱۹} خوانش آقای نوروزی از این ماده، بخصوص بخشی که مرتبط با «تعیین» هیات‌مدیره جدید و استمرار هیات‌مدیره قبلی می‌شد، مورد تشکیک برخی از اعضا و بازرسان (خانم‌ها اعظم ویسمه، نفیسه زارع‌کهن و لیلی فرهادپور) قرار می‌گیرد که با واکنش تند آقای نوروزی مواجهه می‌شوند. و بعد در مقابل این سوال که وزارت کار چرا اکنون به یاد این ماده از اساسنامه افتاده است؟ خانم نمازی بخشنامه مربوط به کرونا را (به عنوان سند ارائه‌شده از سوی وزارت کار) در گوشی همراه خود ارائه می‌دهد.

شایان ذکر است که این بخشنامه که در تاریخ دوم تیرماه از سوی وزارت کار منتشر شده بود، معطوف به نامه ۱۸ فروردین ۱۴۰۰ وزارت کار درخصوص نحوه تجدید انتخابات تشکلهای کارگری و کارفرمایی در وضع ناشی از شیوع ویروس کرونا بود که طی آن اعتبار هیات‌مدیره و بازرسان انجمن‌هایی را که انتخابات برگزار نکرده بودند، تا پایان شهریور ماه تمدید می‌کرد. بدیهی است که این بخشنامه هیچ ربطی به تشکلهایی که انتخابات در آنها انجام شده بود، نداشت. البته در جلسه فوق، اعضای هیات‌مدیره هنوز به جزئیات بخشنامه ارائه‌شده کاملاً واقف نبودند.

بعد از رویت بخشنامه کذایی، آقای داوود محمدی اعلام کرد با ادله آقای کامبیز نوروزی و بخشنامه ارائه‌شده توسط خانم تبسم نمازی به نظر ایشان نیز هیات‌مدیره منتخب باید تا تعیین تکلیف از سوی وزارت کار از ادامه تشکیل جلسات پرهیز کند. اما با تشکیک و اعتراض مابقی اعضای هیات‌مدیره و بازرسان پیشنهاد شد این مساله با مشاوران حقوقی خارج از انجمن مطرح شود که این پیشنهاد مورد اعتراض شدید جناب کامبیز نوروزی، دبیر کمیته حقوقی قرار گرفت.^{۲۰}

شایان ذکر است که قبل از این جلسه، خانم نفیسه زارع‌کهن، در کسوت خزانه‌دار هیات‌مدیره جدید، طبق نامه‌ای به رییس انجمن قبلی و فعلی اعتراض خود را مبنی بر بی‌اطلاعی از وضعیت خزانه و حساب‌های انجمن اعلام کرده بود که این نیز موجب تنش دیگری و علنی شدن بیشتر اختلافات شد. استعلام خزانه‌دار جدید از خزانه‌دار قبلی درخصوص مخارجی بود که خانم شبنم رحمتی (خزانه‌دار هیات‌مدیره قبل) در سه ماه اخیر ارائه کرده بود و در این فهرست به برداشت سه ماه حقوق توسط دبیر جدید اشاره شده بود. از نظر خانم زارع‌کهن این برداشت‌ها بدون مصوبه هیات‌مدیره جدید و اطلاع آنها بوده و بنا بر ماده ۲۶ اساسنامه غیرقانونی است. ضمناً با تماس بین دو خزانه‌دار جدید و قدیم، همچنین پیگیری گیسو فغفوری (به عنوان بازرس هر دو هیات‌مدیره قدیم و جدید) رقم حقوق ماهیانه دبیر انجمن مشخص شد که شوک دیگری را رقم می‌زد. اگرچه این رقم مصوبه هیات‌مدیره قبلی بود و هیچ مشکل قانونی به آن وارد نمی‌شد؛ ولی چون سه برابر پایه حقوق اعلامی وزارت کار می‌بود (و با افزایش حقوق‌ها در سال ۱۳۹۹ رقمی بالا در صنف روزنامه‌نگاری محسوب می‌شد) اعتراض بیشتری را رقم زد.

بعد از آن جلسه‌ی پر تنش، چهار عضو دیگر هیات‌مدیره (آقایان حسن نمک‌دوست و پژمان موسوی و خانم‌ها اعظم ویسمه و نفیسه زارع‌کهن) به همراه بازرسان (گیسو فغفوری و لیلی فرهادپور) که به نظریه «تعلیق فعالیت هیات‌مدیره منتخب» (که من در این گزارش به آن عزت‌نشینی اطلاق می‌کنم) انتقاد داشتند، جداگانه با وکلای مختلف مشاوره کردند و همچنین اعتراض خود را به نزد

آقای عباس عبدی (رییس هیات مدیره قبلی) بردند. آقای نمک‌دوست در فایل صوتی برای آقای عباس عبدی توضیح داد که با وکلای معتبری مانند صالح نیک بخت و دکتر شریف صحبت کرده است. آقای صالح نیک‌بخت به صراحت توضیح دادند که: «از لحظه‌ای که انتخابات هیات‌مدیره با حضور نماینده وزارت کار صورت گرفته و بعد شاکمی هم از روند انتخابات وجود نداشته و تقسیم مناسب هم در هیات‌مدیره انجام گرفته به اطلاع وزارت کار رسیده اصولاً به لحاظ حقوقی چیزی به نام هیات‌مدیره قبلی وجود ندارد و اگر تاخیری و تعللی به وجود بیاید مسئولیتش با وزارت کار است و به شما ربطی ندارد. وزارت کار اگر هم بخواهد شما را تایید نکند باید آن را با ادله شفاف اعلام کند و بعد از آن هم شما (هیات مدیره منتخب) می‌توانید به دیوان عدالت اداری شکایت کنید.» دکتر شریف نیز ضمن تایید همین گفته‌ها تصریح کردند که: «اصولاً برگشتن به هیات‌مدیره سابق به هر ترتیبی تعابیر فاسدی در بردارد زیرا اینگونه شما خودتان خودتان را زیر سوال می‌برید.»

خانم اعظم ویسمه نیز نامه‌ای به رییس هیات‌مدیره و بازرسان نوشت و در آن متذکر شد که با شماری از وکلا و مشاوران حقوقی صحبت کرده است. او در نامه خود با استناد به ادله‌ی وکلا، «غیرقانونی بودن» هیات‌مدیره جدید، یعنی ادعای آقایان کامبیز نوروزی، داوود محمدی و خانم تبسم نمازی را فاقد وجهت قانونی دانست و به تحویل نشدن حساب‌های مالی به هیات‌مدیره جدید شدیداً اعتراض کرد.²¹ بعد از این که این نامه، به دست برخی از اعضای هیات‌مدیره قبلی و سه عضو موافق عزلت‌نشینی و «غیرقانونی بودن» هیات‌مدیره جدید رسید (چرا و چگونگی رسیدن این نامه‌ها به این افراد مبهم است) آقایان کامبیز نوروزی و داوود محمدی این نامه را شدیدالحن و تند تلقی و به آن اعتراض کردند. آقای شهریار شمس مستوفی (دبیر قبلی انجمن) نیز با اشاره به پاراگرافی از نامه مذکور که در آن آمده است: «هر گونه دخل و تصرف در اموال و دارایی‌های انجمن و همچنین استفاده از امکانات و اختیارات انجمن توسط هیات مدیره سابق، پس از مجمع عمومی و شروع به کار هیات‌مدیره جدید، تخلف و جرم بوده و قابل پیگیری است» اعلام کرد که در اعتراض به لحن تهدیدآمیز نامه خانم اعظم ویسمه، چک مربوط به اجاره محل و تمدید محل انجمن را امضا نمی‌کند و گویا خزانه‌دار قبلی (خانم شبین رحمتی) نیز نامه‌ی خانم ویسمه را توهین به خود فرض کرده بود و به آن اعتراض کرد.

ابتدا آقای عبدی پیشنهاد جلسه مشترک با هر دو هیات‌مدیره را دادند که دعوت به جلسه نیز در گروه واتس‌آپی گذاشته شد. ولی اعضای منتقد هیات‌مدیره به روند عزلت‌نشینی و نویسندگان دو نامه فوق، حضور آقای عبدی را برای حل اختلاف کافی دانستند و خواستار تشکیل جلسه با حضور وی شدند. در این میان بحران تمدید اجاره‌ی دفتر انجمن با پادرمیانی آقای عباس عبدی خاتمه یافت اما به دلایل ناگفته‌ای قرار شد جلسه هفتگی هیات‌مدیره با حضور آقای عبدی به جای محل انجمن در کافه‌ای برگزار شود.

در تاریخ ۱۳ شهریور جلسه مذکور در ساعت یازده و نیم صبح با حضور خانم‌ها اعظم ویسمه و نفیسه زارع‌کهن و آقایان حسن نمک‌دوست، پژمان موسوی و کامبیز نوروزی (پنج نفر از هفت نفر اعضای هیات مدیره) به صورت رسمی آغاز شد. در این جلسه بازرسان و آقای عباس عبدی نیز حضور داشتند. آقای داوود محمدی و خانم تبسم نمازی از غایبان این جلسه بودند.

در این جلسه در مورد سوظن‌ها صحبت شد. آقای کامبیز نوروزی شدیداً نسبت به نامه خانم ویسمه و خانم زارع کهن اعتراض داشت و شائبه‌ی تشکیل فراکسیون را دوباره مطرح کرد. با طرح دوباره این موضوع و با توجه به صحبت‌های تلفنی که قبل از شروع جلسه میان آقای نمک‌دوست و خانم تبسم نمازی و پژمان موسوی در برابر جمع هیات مدیره انجام گرفته بود،^{۲۲} اینجا بود که بعد از گذشت چهار ماه از انتخاب خانم تبسم نمازی به عنوان دبیر (در اولین جلسه بعد از انتخابات)، مشخص شد که آقای حسن نمک‌دوست به خانم نمازی رای داده بوده است و بدین ترتیب آقای پژمان موسوی در معرض اتهام «فراکسیون بازی» قرار گرفت و پژمان موسوی در این خصوص گفت: «تشکیل فراکسیون سازوکار خودش را می‌طلبد ما هیچ‌وقت در هیات‌مدیره فراکسیون تشکیل نداده بودیم بلکه

در انتقاد به رویه موجود فقط تشابه نظر داشتیم؛ با این حال، تا وقتی جلسات تشکیل و موضوعاتی مطرح می‌شد هر بار دارای رای و نظرات مختلفی بودیم.»^{۲۳}

به هر حال آقای عبدی که سعی در آرام کردن فضا داشت، اصرار کرد: «به نقطه صفر باز گردید و دوباره کارها را با همدلی شروع کنید.» و به دنبال آن آقای حسن نمک‌دوست در محضر همه‌ی حضار از آقای کامبیز نوروزی بابت مشاجره با ایشان (که کسی شاهد آن نبود!) عذر خواست. اما آقای نوروزی با تاکید بر اینکه دبیر کمیته حقوقی انجمن است و با استناد به سال‌ها مشاور حقوقی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران و تهران بودن خود، اعتراض شدیدی به نحوه مشاوره حقوقی اعضای منتقد ابراز داشت و گفت که سوالات مطرح شده با وکلا اشتباه بوده است و اقدام اعضای منتقد را زیر سوال برد. در مقابل آقای حسن نمک‌دوست پیشنهاد کرد که حتماً موضوع «اعتبار هیات‌مدیره از نظر حقوقی» را با آقای دکتر محمد شریف به عنوان وکیلی که سال‌ها در کنار انجمن صنفی روزنامه‌نگاران فعالیت داشته است در میان گذاشته شود. آقای عبدی نیز اصرار کرد که آقای شه‌ریار شمس مستوفی کارهای مربوط به دبیری انجمن را پیش ببرند و از وزارت کار برای این اختلافات استعلام شود. این درحالی بود که آقای حسن نمک‌دوست اصرار داشت که وکلای مورد مشورت ایشان بر این نکته نیز تاکید اکید داشتند که استعلام از وزارت کار در این موضوع اشتباه است؛ زیرا هیچ‌کس حل اختلاف را نزد طرف دعوا نمی‌برد، به همین سادگی!

با این اوصاف مشورت جمعی با دکتر شریف به رای‌گیری گذاشته شد و از ۵ نفر عضو هیئت مدیره ۴ نفر نظر مثبت به این امر دادند. همچنین قرار شد فعلاً تا حل مسایل درونی و بیرونی انجمن، آقای عبدی (به عنوان رییس و نماینده هیات‌مدیره قبلی) در جلسات هیات‌مدیره حاضر باشند. جلسه ظاهراً با توافق به پایان رسید اما آقای نوروزی بعدها اعتراض کرد که قرار نبود در این جلسه در مورد خاصی رای‌گیری شود (اشاره ایشان به مشورت با وکیل بود) و گرنه در آن شرکت نمی‌کرد. ولی همه این بحث‌ها نوشدارو بعد از مرگ سهراب بود چون قبل از این جلسه نامه استعلام به وزارت کار ارسال شده بود.

بخش ششم

آبستراکسیون علیه «فراکسیون»!

جلسه بعدی هیات‌مدیره، طبق روال هفتگی، قرار بود در تاریخ یکشنبه ۲۱ شهریور برگزار شود که در آخرین دقایق به وسیله آقای نمک‌دوست لغو شد. یکشنبه صبح آقای نمک‌دوست نامه‌ای از سوی آقای داوود محمدی دریافت می‌کند. آقای داوود محمدی در این نامه با ارجاع به نامه‌ی ارسال شده به وزارت کار و پاسخ آن، (نامه‌نگاری‌هایی که آقای نمک‌دوست و بقیه اعضای معترض به عزلت‌نشینی از آن بی‌اطلاع بودند) و مشاوره با آقای «هوشمند رضوی»^{۲۴} (تحت عنوان کارشناس مستقل و مجرب حقوقی) رسماً از حضور در جلسات هیات‌مدیره عذرخواهی می‌کند. در نامه چهار پاراگرافی ایشان پنج بار مقوله دفاع از «بقای انجمن» مطرح شده و مشخصاً اعلام می‌کند که به نظر ایشان از هر فعالیتی که بقای انجمن را به خطر بیندازد باید پرهیز کرد! به دنبال ارسال این نامه، خانم تبسم نمازی از گروه واتس‌آپی هیات‌مدیره‌ی جدید انجمن بیرون می‌رود و در تماس آقای نمک‌دوست از حضور در دفتر انجمن استنکاف می‌کند. این درحالی است که آقای کامبیز نوروزی شب قبل به آقای نمک‌دوست اعلام کرده بود که به خاطر تنش‌های به‌وجودآمده از نظر روحی و عصبی نمی‌تواند فعلاً در جلسات حضور یابد و بدینگونه عملاً جریان آبستراکسیون شکل می‌گیرد.^{۲۵}

به هر حال متعاقباً مشخص می‌شود نامه‌ای که آقای داوود محمدی به آن ارجاع کرده بود، نامه‌ای است که به توصیه آقای عباس عبدی مبنی بر استعلام از وزارت کار، (بعد از نامه اعتراضی خانم اعظم ویسمه به رییس هیات‌مدیره) از سوی دبیرخانه انجمن، در

تاریخ یازدهم شهریور، به وزارت کار ارسال شده است.^{۲۶} یعنی بعد از جلسه پر تنش هفتم شهریور (جلسه‌ای که خانم نمازی از قول وزارت کار اعلام می‌کند هیات‌مدیره منتخب غیرقانونی است) و قبل از همه‌ی بحث‌های جلسه سیزدهم شهریور (جلسه در کافه).

در این نامه‌ی فوق صراحتاً به دو انجمن با دو هیات‌مدیره اشاره می‌شود و استعلام می‌شود که: آیا هیات‌مدیره «انجمن صنفی سراسری روزنامه‌نگاران» با توجه به عدم تاییدشان معتبر است یا هیات‌مدیره «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران»؟ در پاسخ، وزارت کار بدون اشاره به تاخیر غیرقانونی آن وزارتخانه در انجام فرآیند تایید انتخابات و ثبت آن، اعلام می‌کند: «تازمانی که مدارک شناسایی صادره از این اداره کل مبنی بر تایید تغییرات انجام شده اخیر در اساسنامه و همچنین تجدید انتخابات مسوولان انجمن، صادر نگردیده است، هیات‌مدیره انجمن صنفی استان تهران مسوولیت اداره امور انجمن را بر عهده خواهد داشت.»

این درحالی است که از نظر وکلای حقوقی ذکر شده در این گزارش، این بزرگترین اشتباه هیات‌مدیره قبلی بوده است. اینکه به جای شکایت از مرجعی که باعث تاخیر و تعلیق فعالیت‌های انجمن صنفی روزنامه‌نگاران شده است، او را مرجع حل اختلافی قرار دهند که صرفاً می‌تواند تمدید اعتبار هیات‌مدیره قبلی را توجیه کند و این دقیقاً همان تفاوت بنیادی در رویکرد به فعالیت یک تشکل صنفی برای جامعه روزنامه‌نگاری است که جلوتر به تبیین آن می‌پردازم.

اینجا باید به این نکته اشاره کنم که از چندی قبل از سوی دبیرخانه انجمن اصرار بر این می‌شود که هیات‌مدیره منتخب، هیات‌مدیره انجمن صنفی سراسری روزنامه‌نگاران است و هیات‌مدیره قبلی هیات‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران. این اصرار در حالی (در ابتدا به صورت کم‌رنگ و رفته‌رفته به عنوان یک حربه در مباحث) ابراز می‌شد که سراسری شدن در مجمع خرداد ماه تصویب شده بود، بنابراین اگر هم منتظر «تایید» وزارت کار می‌بودند به هر حال یک انجمن وجود داشت که یا سراسری می‌شد یا نمی‌شد. شایان ذکر است با این اصرار بر تفکیک دو هیات‌مدیره عملاً انشقاقی در انجمن بروز کرد و هیات‌مدیره قبلی با عنوان «هیات‌مدیره انجمن تهران» و هیات‌مدیره منتخب ۲۴ خرداد به عنوان «هیات‌مدیره سراسری» در کلیه مکاتبات و اسناد ثبت شد؛ گویی این‌ها دو انجمن جدا از هم هستند.^{۲۷}

به هر حال جلسه‌ی بعدی، در ۲۶ مرداد در محل انجمن با حضور چهار نفر از اعضای هیات‌مدیره و بازرسان و آقای عباس عبدی تشکیل می‌شود. ولی چون بر طبق اساسنامه، جلسات با پنج عضو هیات‌مدیره رسمیت می‌یابد، جلسه فوق فاقد رسمیت می‌شود بنابراین بحث تغییر دبیر نمی‌تواند مطرح شود. در این جلسه آقای عباس عبدی برای آرام کردن فضا تلاش می‌کند و به حاضران می‌گوید: «شما جلسات خودتان را برگزار کنید اگر احتیاج به امضا بود من از طرف صاحبان امضای قبلی امضا می‌کنم و طبق عرف اختیارات را به شما تفویض می‌کنم تا تکلیف تاییدیه‌ها روشن شود.» ایشان در مقابل این ایراد که دبیرخانه به ما تحویل داده نشده است و تکلیف دبیر مشخص نیست می‌گوید: «فکر کنید اصلاً دبیر انجمن من هستم هر چه از دبیرخانه می‌خواهید از من بخواهید.» حرف ایشان به عنوان رییس هیات‌مدیره قبلی برای هیات‌مدیره جدید حجت تلقی می‌شود.

جلسه بعدی، چهارم مهرماه با حضور همان چهار نفر اعضای هیات‌مدیره و آقای عباس عبدی و بازرسان در دفتر انجمن تشکیل و باز هم با ابستراکسیون سه عضو دیگر فاقد رسمیت می‌شود. با این حال مسایلی مطرح می‌شود از جمله اینکه باید شکل‌گیری جمع مشورتی در کنار انجمن انجام شود.^{۲۸} از سوی دیگر موضوع تعلیق کمیته عضوگیری هم مطرح شد^{۲۹} و دست آخر در اعتراض به انشقاق انجمن به دو انجمن تهران و سراسری آقای عباس عبدی اذعان می‌دارد که «مسئله اگر انجمن سراسری نشود این هیات‌مدیره همان هیات‌مدیره تهران است.» برخی از اعضای حاضر در جلسه از آقای حسن نمک‌دوست می‌خواهند بنا بر اختیاراتی که ماده ۱۹ اساسنامه به رییس هیات‌مدیره داده و بنا بر تبصره ۳ ماده فوق در خصوص غیبت این افراد تصمیم مقتضی بگیرد.^{۳۰} نمک‌دوست

بشدت این درخواست را رد می‌کند و می‌گوید: «من به هیچ وجه وارد فرآیند حذف افراد نخواهم شد.» شایان ذکر است در بحث تشکیل فراکسیون، تلقی سه نفر جریان آبستراکسیون (آقایان محمدی و نوروزی و خانم تبسم نمازی) این بوده که چهار نفر دیگر در هیات‌مدیره همواره قرار است رای‌هایی همسو داشته باشند. درحالی‌که در عمل نشان داده شد که چه قبل از بحران مشروعیت هیات‌مدیره و چه بعد از آن همواره رای‌ها (مانند رای به تعلیق اعضای غایب در جلسه فوق) شناور بوده است.

بعد از این جلسه عملاً کاری پیش نمی‌رود و کمیته‌های عضوگیری، رسانه، آموزش و سایر کمیته‌ها همچنان در تعلیق می‌مانند. بعد از به تعلیق درآمدن کمیته‌ها و ادامه آبستراکسیون سه‌نفره‌ی آقایان داوود محمدی و کامبیز نوروزی و خانم تبسم نمازی، سایر اعضای هیات‌مدیره دیگر به تشکیل جلسات امیدی نداشتند. با وجود این، دو جلسه آنلاین دیگر تشکیل می‌شود ولی باز هم سه عضو ذکر شده از حضور در جلسات امتناع می‌ورزند.

در تاریخ ۹ آبان جلسه دیگری (با حضور ۴ عضو حاضر همیشگی هیات‌مدیره و بازرسان) تشکیل می‌شود. در آن جلسه، برای برون‌رفت از این بن‌بست به پیشنهاد خانم گیسو فغفوری (بازرس) قرار می‌شود به ابتکار بازرسان از اعضای هر دو هیات‌مدیره دعوت به عمل آید تا در جلسه‌ای دوستانه و در فضایی صمیمانه اختلافات را حل کنند. با خانم مینا شهنی (بازرس هیات‌مدیره قبلی) مذاکره می‌شود و سه بازرس تصمیم به دعوت از همه برای جلسه‌ای دوستانه در تاریخ ۱۶ آبان می‌گیرند.

این جلسه با استقبال برخی^{۳۱} و با اعتراض شدید همان سه عضو هیات‌مدیره که از حضور در جلسات امتناع می‌کردند مواجه می‌شود. سه عضو مورد نظر دلایل اعتراض خود را «قانونی نبودن» دعوت بازرسان و نبود «دستور جلسه با جزئیات کامل!» عنوان می‌کنند. آقای عباس عبدی دستور جلسه را به دعوت خود برای ارائه گزارش از روند پیگیری‌هایش در وزارت کار تبدیل می‌کند تا شاید دعوا فیصله یابد ولی درست شب قبل از موعد جلسه، به دلیل اینکه بحث طولانی‌ای! وجود نخواهد داشت برگزاری آن را آنلاین اعلام می‌کند و در پی این اعلام، سه عضو مذکور هیات‌مدیره با همراهی آقای شهریار شمس مستوفی (دبیر قبلی) دعوت به جلسه بازرسان را عملاً ملغی اعلام می‌کنند.

در جلسه آنلاینی که به جای جلسه‌ی بازرسان تشکیل می‌شود، آقای عباس عبدی از روند پیگیری خود در وزارت کار برای تایید مجمع و انتخابات گزارشی می‌دهد و قرار می‌شود آقای شهریار شمس مستوفی دنبال کار باشد و بدون این‌که نظر هیات‌مدیره جدید و حتی رییس این هیات‌مدیره یعنی آقای حسن نمک‌دوست (که در جلسه حاضر بودند) خواسته شود، جلسه به اتمام می‌رسد.^{۳۲}

اگرچه بازرسان از بر باد رفتن ابتکار عملشان برای حل مسایل دلگیر شدند، اما فرایند دعوت تک به تک اعضای دو هیات‌مدیره دستاوردهای مثبتی داشت و آن اینکه موجب شد بازرسان با همه اعضای هیات‌مدیره قبلی و منتخب صحبت کنند. برآیند این صحبت‌ها و همچنین گفت‌وگوهای نگارنده با این افراد این بود که به غیر از اعضای مشترک در هر دو هیات‌مدیره (آقایان عباس عبدی، کامبیز نوروزی و پژمان موسوی) مابقی اعضای هیات‌مدیره قبلی و اعضای علی‌البدل هر دو هیات‌مدیره اطلاع کافی از منازعات و اختلاف‌نظرهای پیش‌آمده نداشتند. حتی به اعضای علی‌البدل چنین منتقل شده بود که نمک‌دوست از حضور علی‌البدل‌ها در جلسات جلوگیری کرده است. این درحالی است که تا جلسه هفتم شهریور همواره علی‌البدل‌ها مستقیماً از سوی خانم تبسم نمازی دعوت می‌شدند ولی خودشان حضور نمی‌یافتند. و بعد از آن جلسه و آبستراکسیون سه‌نفره (آقایان محمدی و نوروزی و خانم نمازی)، دعوت به جلسات از سوی آقای نمک‌دوست انجام می‌شد که در تمام دعوت‌های به عمل آمده از عبارت «تمام اعضای محترم» استفاده کرده و از «عدم حضور» اعضای علی‌البدل صحبتی نشده بود.

بعد از جلسه آنلاین، آقای عباس عبدی (به عنوان رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران) نامه‌ای به معاون جدید وزارت کار ارسال می‌کند که ضمن تبریک انتصاب ایشان عدم طی مراحل اداری ثبت مجمع عمومی ۲۴ خرداد را خاطر نشان می‌کند.

از سوی دیگر نامه دیگری به تاریخ ۱۶ آبان از طرف آقای شه‌ریار شمس مستوفی به همان مرجع نامه قبلی (۱۱ شهریور) ارسال می‌شود. جالب آنکه در این نامه‌ی اخیر، دیگر از انتخابات ۲۴ خرداد به عنوان انتخاب هیات‌مدیره انجمن سراسری یاد نمی‌شود! بلکه آن را مجمع عمومی انجمن تهران می‌نامد ولی به صورت جلسه تعیین سمت اعضای هیات‌مدیره انجمن سراسری! (همان جلسه اول که خانم نمازی دبیر اعلام شد) اشاره می‌کند و می‌نویسد «با گذشت ۵ ماه مراحل اداری انجام نشده است». این نامه را آقای شه‌ریار شمس مستوفی با عنوان «دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران» امضا می‌کند. بعد از آن هم با همین عنوان مصاحبه‌هایی انجام می‌دهد در صورتی که قبل از این خود را دبیر سابق انجمن می‌نامید.

اعضای منتقد هیات‌مدیره منتخب، این رفتار چندگانه را «بازی» ای عجیب تلقی کردند و در واکنش به سوال‌هایی که اعضا مستقیماً از آنها داشتند و توثیق‌هایی مبنی بر اینکه «در انجمن صنفی چه خبر است؟» خانم اعظم ویسمه در توثیقی می‌نویسد: «متأسفانه هنوز مدیریت انجمن به هیات‌مدیره منتخب مجمع ۲۴ خرداد واگذار نشده است...» و خانم نفیسه زارع کهن نیز چنین توثیق می‌کند: «ما غیرقانونی اعلام شدیم و گزارش بازرسان بزودی منتشر می‌شود و پاسخ همه ابهامات را خواهید یافت...». لیلی فرهادپور (نگارنده) نیز در توثیقی اعلام می‌کند که درصدد تهیه گزارشی از روند اتفاقات در انجمن است.

بعد از این توثیق‌ها کانال تلگرامی باشگاه روزنامه‌نگاران این مباحث را در خبری با تیتراژ «انجمن سراسری روزنامه‌نگاران در تعلیق؟» منتشر می‌کند. متن خبر چنین است:

- «خانم اعظم ویسمه عضو هیات‌مدیره انجمن سراسری روزنامه‌نگاران خبر داده است که متأسفانه هنوز مدیریت انجمن به هیات‌مدیره منتخب مجمع ۲۴ خرداد واگذار نشده است. خانم ویسمه دلیل این امر را توضیح نداده و ننوشته است که چرا با وجود گذشت بیش از پنج ماه از این انتخابات، هنوز مدیریت به هیات‌مدیره منتخب واگذار نشده است و چه اتفاقاتی در پس پرده افتاده است. یکی از اعضای هیات‌مدیره انجمن در این باره به باشگاه روزنامه‌نگاران توضیح داد: انجمن صنفی سراسری منتظر تأیید انتخابات است و چیزی برای تحویل دادن وجود ندارد. پس از تأیید انتخابات و انجام روند قانونی در وزارت کار انجمن سراسری می‌تواند فعالیت خود را آغاز کند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با هویت مستقل تا به نتیجه رسیدن نتیجه انتخابات همچنان مشغول به فعالیت است.»

و در خبری تکمیلی این کانال از قول آقای شه‌ریار شمس مستوفی چنین آمده است:

- «از آنجائیکه توضیح اینجانب شه‌ریار شمس مستوفی دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در تکمیل خبر پیشین باشگاه سئوالاتی ایجاد کرد در توضیح آن لازم بذکر است اضافه کنم: سوال یکی از همکاران غیر عضو انجمن صنفی که خانم ویسمه در پاسخ به ایشان توییت فوق را ارسال کرده‌اند گفتنی است انجمن صنفی روزنامه‌نگاران همچنان فعال است و مشغول انجام امور است. سایت و کانال انجمن نیز چون گذشته مشغول به کار است. اگر کسی مراجعه‌ای یا درخواستی داشته که پیگیری نشده می‌تواند اطلاع دهد. جهت اطلاع؛ اینجانب بعنوان دبیر انجمن تهران در تاریخ ۱۶ آبان و در ایفای انجام وظایف خود گفت و گویی با خبرگزاری رکنا داشتم که منتشر شد...»

دست آخر باشگاه روزنامه‌نگاران با اعتراض بنده توضیحاتی تکمیلی منتشر می‌کند. این اولین بازخورد علنی شدن تنازعات در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بود که مشخص می‌کند تفسیر منطقی اولین برخورد روزنامه‌نگاران خارج از گود نسبت به این ماجرا چه می‌تواند باشد. متن کامل توضیحات در باشگاه روزنامه‌نگاران به این شرح است:

- پاسخ خانم فرهادپور به باشگاه روزنامه‌نگاران ایران و یک توضیح. خانم لیلی فرهادپور بازرس انجمن سراسری روزنامه‌نگاران در پاسخ به باشگاه روزنامه‌نگاران توضیحی ارسال کردند که در آن آمده است: خبر منتشر شده در باشگاه روزنامه‌نگاران ایران به نقل از یکی از اعضای هیات‌مدیره

انجمن روزنامه‌نگاران تهران، دقیقاً همان ابهاماتی است که در گزارش بنده به آنها پاسخ متقن داده شده است... انتخاباتی که در ۲۴ خرداد برگزار شد در واقع انتخابات «هیات‌مدیره انجمن صنفی استان تهران» بود نه «انتخابات هیات‌مدیره سراسری». این قلب تاریخ برای حذف هیات‌مدیره منتخب جدید است.»

- در ماجرای انجمن روزنامه‌نگاران دو نکته مشهود است. در واقع در حال حاضر روزنامه‌نگاران دو انجمن دارند! اول انجمن روزنامه‌نگاران تهران که ریاست آن با آقای عبدی است و ماموریت زمانی آن تمام شده است و دوم انجمن سراسری روزنامه‌نگاران که ریاست آن برعهده‌ی جناب نمک‌دوست است. با اینکه هیات‌مدیره جدید در دولت آقای روحانی انتخاب شدند اما وزارت کار در تایید اعضای هیات‌مدیره جدید تعلل کرد. در نتیجه این وظیفه به وزارت کار دولت جدید محول شد که آنها نیز هنوز هیات‌مدیره جدید را تایید نکرده‌اند. با این وضعیت به‌رغم اینکه زنگ پایان انجمن اول زده شده است اما چون هیات‌مدیره جدید رسمی نیست، قبلی‌ها همچنان بر مسند امور هستند تا کار اعضا را رتق وفتق کنند. در واقع چه انجمن سراسری باشد چه تهران قبل از هر چیز باید تأیید انتخاب‌شدگان جدید بیاید تا با هر اسمی چه تهران چه سراسری فعالیت خود را آغاز کنند. البته انجمن سراسری نیز معتقد است، اگرچه هنوز تأیید انتخابات نیامده و تحویل اسناد مالی بطور رسمی ممکن نیست ولی هیات‌مدیره قبلی باید گزارش‌های مالی و فعالیت‌ها را زیر نظر هیات‌مدیره جدید انجام دهد.»

دیگر کاملاً مشخص و شفاف می‌شود که برای عده‌ای دو انجمن و دو هیات‌مدیره مستقل از هم وجود دارد در صورتی که همانطور که قبلاً توضیح داده شد این یک نهاد صنفی بوده و هست و باز هم دلیل این اصرار بر انشقاق در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند که تنها می‌توان تفسیرهایی بر آن داشت.

نکته جالب دیگر، بروزسانی ناگهانی کانال انجمن در روز ۲۲ آبان بود (باخبر تسلیت برای فوت کامبیز درم‌بخش) یعنی بعد از دو ماه بی‌خبری محض، کانال تلگرامی انجمن ناگهان به‌روز می‌شود! پژمان موسوی به عنوان دبیر کمیته اطلاع‌رسانی که مسئولیت بروزسانی کانال را در دست داشت گلایه خود را از این امر به آقای عباس عبدی اعلام می‌کند و توضیح می‌دهد این کار بدون توضیح سکوت دو ماهه در مخاطب تولید شائبه می‌کند. آقای عبدی قول پیگیری می‌دهد اما به دنبال آن از طرف دبیرخانه مصاحبه آقای شه‌ریار شمس مستوفی (به عنوان دبیر انجمن) با خبرگزاری رکنا در سایت بارگزاری می‌شود.

در تاریخ ۲۹ آبان وزارت کار نامه‌ای در جواب نامه‌های ارسال‌شده می‌دهد که در آن نوشته: «برگزاری مجمع آن انجمن و تغییر وضعیت از استان تهران به سراسری کشور مورد تأیید این اداره کل بوده ولیکن در خصوص هیات‌مدیره و صلاحیت آنها موضوع در دست بررسی و اقدام است.»

همان‌طور که مشاهده می‌شود برای اولین بار موضوع بررسی صلاحیت هیات‌مدیره رسماً در نامه‌ای اداری نوشته می‌شود که جای بررسی برای تمام حقوق‌دانان مرتبط با تشکل‌های صنفی را دارد.

همزمان با نامه فوق تیر خلاص زده می‌شود: آقای حسن نمک‌دوست به وزارت کار فراخوانده می‌شود و به ایشان گفته می‌شود که ایشان برای هیات‌مدیره انجمن «تایید» نشده‌است.

در این مرحله نگارنده متوجه می‌شود که از زمان اولین نامه‌نگاری‌های دبیرخانه انجمن با وزارت کار در خصوص «استعلام» تأیید هیات‌مدیره تا اعلام رد صلاحیت آقای نمک‌دوست، بارها آن اعضای از هیات‌مدیره که «خواهان طی شدن طبیعی فرایندها براساس آرای اعضا» بودند به نهادهای مختلف امنیتی احضار شدند که ظاهراً روند این احضارها ادامه دارد.

آقای حسن نمک‌دوست بعد از رد صلاحیت و اطلاع از این که برخی پشت سر ایشان می‌گویند «تک‌روی نمک‌دوست انجمن را به اینجا رسانده»، اظهار داشت: «خیلی عجیب نیست. وقتی بحث حادی در میان است معمولاً طرف‌های بحث می‌خواهند رئیس انجمن با نظر آن‌ها موافق باشد و اگر او چنین نکند و بخواهد استقلال خود را حفظ کند در هر مورد توسط یک گروه به تکرور یا جانبداری

متهم می‌شود. بحث‌ها در هیأت‌مدیره این دوره هم بسیار متنوع و گاه پر تنش بود و بنابراین حتماً همه به نوعی ناراضی از جلسات بیرون می‌رفتند. اما این‌که به طور سیستماتیک و غیرمنصفانه چنین اتهامی مطرح شود بیشتر به نظرم تلاشی است برای پنهان کردن خطاها و این یعنی حذف فیزیکی و اجتماعی یک نفر توامان! اما خوشبختانه آفتاب هیچ وقت پشت ابر نمی‌ماند و حقیقت خیلی زود روشن می‌شود...»

به نظر اعضای «خواهان طی شدن طبیعی فرایند تعیین هیأت‌مدیره براساس آرای اعضای مجمع» از اینجا به بعد ماجرا دیگر اهمیتی ندارد زیرا با رد صلاحیت رییس انجمن (که با رای کلیه اعضای هیأت‌مدیره انتخاب شده است) و شنیده‌هایی که حکایت از رد صلاحیت بقیه این گروه به گوش می‌رسد، عملاً انتخابات ۲۴ خرداد زیر سوال می‌رود و رد یا تایید صلاحیت بقیه منتخبان محلی از اعراب ندارد.

این درحالی است که اگر اجازه داده می‌شد هیأت‌مدیره منتخب کار خود را پیش ببرد می‌توانست ضمن تکمیل فرآیند سراسری شدن از ظرفیت‌های انجمن تهران هم در پیش‌برد فعالیت‌های دیگر استفاده کند (مثلاً تسهیل کار کمیته‌های عضوگیری و ساماندهی وضعیت بیمه اعضا و بخصوص تشکیل جمع مشورتی)، و اکنون بعد از گذشت شش‌ماه از انتخابات می‌توانست سر خود را در برابر اعضای که به آنها رای داده‌اند با افتخار بالا بگیرد، حال چه منتخبانشان «تایید» می‌شدند یا نمی‌شدند.

و چند سوال همچنان پس ذهن باقی می‌ماند:

- چه اصراری وجود داشت و دارد که سرنوشت هیأت‌مدیره منتخب خرداد ۱۴۰۰ با سرنوشت سراسری شدن انجمن گره بخورد؟ اگر سراسری شدن تایید نمی‌شد آیا خود انجمن تهران!! با جد کردن خودش می‌خواست اعتبار هیأت‌مدیره منتخب را (حتی در صورت تایید) زیر سوال ببرد؟
- اصرار بر عزلت‌نشینی هیأت‌مدیره منتخب، آن هم با این فشار و تمهیداتی نظیر آبستراکسیون، چه منفعتی برای انجمن یا اشخاص داشت؟
- آیا اگر به رای مجمع و اکثریت هیأت‌مدیره منتخب برای ادامه کار احترام گذاشته می‌شد و انجمن به تعلیق نمی‌رفت، به کسی ضرری می‌رسید؟
- آیا اقداماتی نظیر آبستراکسیون، در راستای خواست نهادهای فراقانونی برای برهم زدن ترکیب انتخابی مجمع نبوده است؟
- اگر در این شش ماه هیأت‌مدیره منتخب روند تشکیل جمع مشورتی را در کنار انجمن طی می‌کرد (که هیچ احتیاجی به امضای رسمی اشخاصی از هیأت‌مدیره قبلی نداشت) اکنون انجمن به جای چشم التماس داشتن به وزارت کار، آیا حامیانی را در کنار خود برای رهایی از این وضعیت نداشت؟
- چرا در این هیأت‌مدیره برخلاف هیأت‌مدیره اول، که در موقعیتی مشابه قرار داشت، نه تنها در جریان مقابله با «ردصلاحیت»‌های غیرقانونی همدلی کامل بوجود نیامد بلکه با در پیش گرفتن رفتار آبستراکسیونی عملاً این گره را کور کردند؟
- آیا فقط چند نفر مقصر بوجود آمدن موقعیت موجود هستند یا به قول قدیمی‌ها «کاسه‌ای زیر این نیم کاسه» است؟
- و البته بسیاری از سوالات بی‌جواب دیگر!

به تاریخ آذرماه ۱۴۰۰

پانوشت‌ها:

1 این نقدها به صورت یادداشت و مصاحبه و اظهارات منتشر شده در شبکه‌های مجازی و همچنین بحث‌های مفصل در گروه‌های مربوط در شبکه‌هایی همچون تلگرام موجود است.

2 بر اساس مواد ۷، ۸، ۹ و ۱۳ و ۱۴ «آیین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن های صنفی و کانونهای مربوط» کار تشکیل انجمن و انتخابات هیات‌مدیره تمام شده بود و بنابر ماده ۱۴ همین آیین‌نامه، وزارت کار موظف بود بعد از احراز صحت برگزاری مجامع عمومی عادی یا فوق العاده، تکمیل و صحت مدارک، ظرف یک ماه نسبت به ثبت و صدور گواهینامه اقدام کند.

3 در بخش ششم که مربوط به بحران هیات‌مدیره منتخب ۱۴۰۰ است به این موضوع مراجعه خواهد شد و مقایسه این دو موقعیت بسیار قابل تامل خواهد بود.

4 با واسازی این ماجرا می‌توان به این سناریو رسید که اگر در مجمع فوق، همدی ۱۵۰ نفر شرکت‌کننده در مجمع عمومی سال قبل (۱۳۹۵) شرکت داشتند، در این مجمع نیز شرکت می‌کردند ممکن بود این رای‌گیری با نتایج کاملاً متفاوت برگزار و تاریخ انجمن به‌گونه‌ای دیگر نوشته شود و یا نه حداقل بحث‌ها و ادله مخالفان نسبت به استعفای هیات‌مدیره منتخب در عرصه عمومی مطرح می‌شد. به بیان دیگر می‌تواند چنین روایت شود که اکثریت رای‌دهندگان به ایجاد انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، در رای‌گیری برای تایید استعفای هیات‌مدیره اول و انتخاب هیات‌مدیره دوم شرکت نداشتند و هیات‌مدیره دوم برعکس هیات‌مدیره اول رای اکثریت مجمع اول (که ناظر به تشکیل این انجمن بود) را برای خود به همراه نداشت.

5 بند ۸ ماده یک: همکاری با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جهت شناخت بهتر مشکلات کارگری اعضا و اجرای قانون کار. بند ۱۵: همکاری و مشارکت با سازمان های دولتی و غیردولتی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری ها و سایر جهت برگزاری جشنواره ها، کارگاه های آموزشی، همایش های تخصصی و مانند اینها.

6 به نظر می‌رسد انتشار صورت‌جلسه‌های انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران می‌تواند به عنوان منبعی برای پژوهش‌های مطبوعاتی امری ضروری باشد.

7 سوالات طرح شده در بیانیه به این شرح است: ۱- چرا «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران» گزارش دقیقی از جلسات هیات‌مدیره و مذاکرات و تصمیمات اتخاذ شده به‌صورت ماهانه و سالانه ارائه نمی‌دهد؟ گزارشی که نشان دهد انجمن مذکور در چند مورد برای حقوق روزنامه‌نگاران وارد عمل شده و به چه نتیجه‌ای رسیده است. چرا روند تصمیمات و آراء نیز شفاف نمی‌شود. به‌طور مثال باید ذکر شود که چگونه انجمن مذکور درباره اخراج‌های اخیر از جمله اخراج روزنامه‌نگاران روزنامه شرق تصمیم به صدور بیانیه گرفت و چه کسانی با صدور این بیانیه موافقت و مخالفت کردند. ۲- چرا هیات‌مدیره «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران» درباره حامیان مالی این انجمن شفاف‌سازی نمی‌کند و توضیح نمی‌دهد که چه کسانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به انجمن کمک مالی کرده‌اند و آیا این حمایت‌های مالی در روند کار صنفی انجمن تأثیر داشته است یا نه؟ ۳- آیا «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران» در جریان توزیع ۱۰۰ میلیارد تومان بودجه کرونایی وزارت کار به مطبوعات قرار گرفته است؟ اگر این بودجه توزیع شده چرا انجمن باوجود اخراج‌ها سکوت کرده و آیا توانسته بر توزیع عادلانه آن نظارت کند؟ و اگر هم این بودجه اساساً توزیع نشده چرا انجمن اجازه می‌دهد که با تبلیغ چنین اقدامی از عنوان کمک به روزنامه‌نگاران سوءاستفاده شود؟

8 سخنان عباس عبدی به صورت زیر در سایت به شکل دست‌ورالعمل آمده است:

- انجمن چیزی جز اعضا و کیفیت و کمیت مشارکت آنان در فعالیت‌های انجمن نیست.

- انجمن یک اداره دولتی نیست که واجد بودجه و اختیارات الزام آور برای همگان باشد.

- انجمن صنفی فقط در برابر اعضای خود و براساس میزان مشارکت و تعهدات طرفین پاسخگو است.

- انجمن صنفی به دو موضوع کلی می‌پردازد. اول حمایت از حقوق صنفی اعضا، دوم ارتقای جایگاه حرفه.

- همکاری که عضو انجمن نیستند، و مسئولیتی را از طریق عضویت نپذیرفته‌اند، پیشاپیش خود را بی‌نیاز از این خدمات دانسته‌اند. بنابراین، جز در یک مورد استثنایی از خدمات انجمن بصورت پیش‌فرض بهره‌مند نمی‌شوند.

- مورد استثنا در زمینه بازداشت و یا تعقیب قضایی یا موارد مشابه است که انجمن در حدود امکانات خود به هریک از همکاران، اعم از عضو یا غیر عضو که از انجمن تقاضای معاضدت کند، یاری می‌رساند.

- انجمن در مورد ارتقای جایگاه حرفه‌ای، به موارد عمومی مرتبط با حرفه از قبیل آزادی بیان، وضعیت عمومی رسانه‌ها، آموزش‌های حرفه‌ای، اخلاق حرفه‌ای، شرایط بیمه‌ای و مواردی از این نوع می‌پردازد که مرتبط با شخص خاصی نیست و تلاش می‌کند شرایط عمومی حرفه را بهبود بخشد.

- انجمن برای مسایل عمومی و کلی عمدتاً می‌تواند در چارچوب اعلام موضع، صدور بیانیه، برگزار کردن دوره‌های آموزشی، برقراری نشست‌های حرفه‌ای و مشارکت در جلسات مربوط و رایزنی با مقامات ذیربط اقدام کند. در صورت حضور بیشتر و مشارکت فعال اعضای انجمن، برنامه‌های عملی‌تری که روزنامه‌نگاران ارایه کنند می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

- در بخش خدمات فردی؛ ارائه مشاوره، انجام تماس و گفتگو با نهادهای حکومتی و مطبوعاتی برای حل مشکلات اعضا، برگزاری جلسات آموزشی، نشست‌های حل اختلاف و کمک‌های موردی و اقداماتی از این قبیل توسط انجمن انجام می‌شود. طی دو سال گذشته ده‌ها نمونه از اقدامات مزبور در انجمن انجام شده است و از آنجا که دو سال گذشته سالهای آغاز کار انجمن بود، در موارد گوناگونی به درخواست‌های روزنامه‌نگاران غیر عضو نیز رسیدگی شده است.

9 ماده ۲۳- هیأت مدیره موظف است دست کم سه ماه پیش از پایان دوره اعتبار قانونی، درمورد دعوت مجمع عمومی به منظور تجدید انتخاب مسئولان انجمن صنفی اقدامات لازم را به عمل آورد. تبصره: هیأت مدیره پس از پایان دوره ماموریت، تا تعیین هیأت مدیره جدید، مسوول انجام امور اداری و حفظ کلیه دارائی ها واموال و اسناد و مدارک انجمن صنفی خواهد بود.»

10 ماده ۱۸- هیأت مدیره مکلف است، پس از قطعیت انتخابات، ظرف یک هفته اولین جلسه خود را تشکیل و از بین خود، یک رئیس، یک نایب رئیس و یک خزانه دار و همچنین از بین اعضای هیأت مدیره یا خارج از آن یک دبیر انتخاب و صاحبان امضای مجاز اسناد و مدارک مالی و اوراق تعهد آور (رئیس، خزانه دار و یکی دیگر از اعضای

هیات مدیره) را طی صورتجلسه ای به اطلاع اعضا برساند و نسخه‌ای از صورتجلسه مذکور را به همراه مدارک مورد نیاز جهت اقدامات قانونی، به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تسلیم نماید.

11 در ادامه گزارش مشخص می‌شود که چگونه رای‌های مخفی این روز برملا و به یکی از بحث‌های تنش‌زا از جمله موضوع «فراکسیون بازی» تبدیل شد.
12 به دنبال توضیح آقای نمک‌دوست در خصوص شروع به کار هیات‌مدیره جدید، بحث‌هایی در گروه واتس‌آپ درمی‌گیرد که نمونه‌هایی از آن را اینجا می‌آورم:
نوشته آقای امیرعباس نخعی در گروه واتس‌آپی: «... دوستان هیات مدیره فعلی کاملاً قانونی و برآمده از رای صنف هستند... یک هیات‌مدیره داریم آن هم متشکل از هفت عضو اصلی است و حضور علی‌البدل‌ها تنها از این زاویه قابل پذیرش است که اگر تغییر و تحولی شد دوستان در جریان مسایل باشند... هیات‌مدیره قدیم و جدید نداریم تا گرفتن حق امضا برای هیات‌مدیره جدید، خانم رحمتی، آقای عبدی و آقای شهریار شمس امضا می‌کنند.»
نوشته آقای داوود محمدی در گروه واتس‌آپی: «... با توجه به آنکه هیات مدیره منتخب هنوز آغاز به کار نکرده و هیات‌مدیره مستقر در مرحله گذار درباره اقدامات انجام شده و کارهای احتمالاً نیمه تمام است باید شفاف‌سازی و هم‌افزایی داشته باشد. بنابراین برگزاری جلسات مشترک دو هیات‌مدیره، به ویژه در چند جلسه رسمی اولیه ضروری است ...»

نوشته خانم تبسم نمازی در گروه واتس‌آپی: «من با آقای عبدی صحبت کردم خانم رحمتی و شهریار به آقای عبدی تفویض اختیار کردند هیات ریسه قبل با بزرگواری پذیرفتند که هیات مدیره جدید جلساتش را برگزار کند و اگر نیاز به کمکی بود در خدمت انجمن و در کنار انجمن خواهند بود و قصد حضور در جلسات را هم ندارند مگر به دعوت هیات مدیره منتخب باشد. برخی از هیات مدیره قبلی هم که در هیات مدیره جدید هستند. فکر کنم دیگر بحث هیات مدیره قبلی و جدید حل شد.»

13 در این میان بحث توییت آقای مهدی افروزش در مزمت هیات‌مدیره که دریافت مجوز طرح ترافیک را منوط به شرکت در مجمع دانسته بود، مطرح شد. با توضیح خانم تبسم نمازی به عنوان دبیر فعلی و نماینده کارگروه مربوطه در بخش طرح ترافیک شهرداری، مشخص شد که این امر مصوبه هیات‌مدیره قبلی بوده است. همچنین در خصوص تخصیص سهمیه دریافت واکسن کرونا به اعضای انجمن نیز بحث شد و باز منجر به اصرار برخی از اعضای هیات‌مدیره مخصوصاً دبیر آن مبنی بر اینکه تمامی امکانات بر طبق اساسنامه باید برای اعضا (و نه غیر عضو) لحاظ شود، در گرفت.

14 در اینجا لازم است مساله‌ی شخصی‌ای را که برای نگارنده‌ی این گزارش پیش آمد، مطرح کنم: وقتی چنین بحث‌هایی درگرفت به نظرم رسید این انجمن، با آنچه من در تصورم بوده است، فاصله دارد و در نامه‌ای به هیات‌مدیره نوشته‌م که فکر استعفا هستم؛ زیرا اصلاً این رویکردها را نمی‌توانم بپذیرم و به نظرم انجمن بیشتر از اینکه به فکر «دفاع و حمایت از جامعه‌روزنانه‌نگاری» باشد به فکر «دفاع و حمایت از خود» است. طرح این بحث از سوی من، هم‌نظری برخی و مخالفت برخی دیگر را برانگیخت. برخی از اعضای اصلی و علی‌البدل هیات‌مدیره بر ادامه رویه انجمن، یعنی کار برای اعضا و لاغیر، تاکید داشتند، و این دوستان حتی به بنده توصیه می‌کردند که بهتر است به عنوان عضوی از این تشکل صنفی صرفاً به اعضا توجه کنم. در ضمن برخی از این دوستان (از جمله آقای کامبیز نوروزی) به من تاکید کردند که بازرس فقط باید آخر هر سال به نحوه‌ی روند مالی انجمن بپردازد و حتی این شائبه مطرح شد که بازرس لزومی ندارد در جلسات شرکت کنند!

15 برگرفته از سخنان دکتر نمک‌دوست در جلسات مختلف پیرامون ضرورت تشکیل جمع مشورتی در کنار نهاد صنفی

16 در فهرست پیشنهادی آقای نمک‌دوست که قبلاً هم در طرح ایشان به آقای عبدی وجود داشت، افراد زیر پیش‌بینی شده بود: - آخرین رئیس هیات مدیره دوره قبل - یکی از استادان دانشگاه، نویسندگان و یا مترجمان صاحب‌نام حوزه روزنامه‌نگاری و ارتباطات به انتخاب هیات مدیره - یکی از اعضای انجمن پیشکسوتان روزنامه‌نگاری به انتخاب آن انجمن - یکی از روزنامه‌نگاران زن به انتخاب انجمن روزنامه‌نگاران زن - یکی از سردبیران مطبوعات به انتخاب هیات مدیره - یکی از سردبیران (معاونان خبر) خبرگزاری‌ها و یا پایگاه‌های خبری به انتخاب هیات مدیره - دو تن از روزنامه‌نگاران شاغل در رسانه‌های استانی به انتخاب هیات مدیره - یک نماینده به انتخاب انجمن علمی ارتباطات و مطالعات فرهنگی - یک نفر از انجمن روزنامه‌نگاران ایران به انتخاب هیات مدیره آن انجمن و...

17 در فهرست پیشنهادی آقای نمک دوست این نام‌ها به چشم می‌خورد: دکتر نعیم بدیعی، دکتر محسنیان راد، دکتر فرقانی، دکتر خانیکی، دکتر شکرخواه، دکتر رضاییان، دکتر احمد توکلی، سیدفرید قاسمی، دکتر بهزادی، آقای بلوری، آقای صدیقی، آقای قاضی‌زاده، آقای عمید نائینی، آقای محمد قائد، آقای شمس‌الواعظین، آقای دکتر شریف، آقای دکتر رضا منصوری، آقای فرج‌الله صبا، آقای میرزایی، آقای دکتر ارکان‌زاده، خانم لیلا رستگار، خانم شهلا شرکت، خانم دکتر علی‌آبادی، خانم فرزانه طاهری، خانم ناهید موسوی، خانم عدرا دژم، آقای عادل فردوسی‌پور، آقای اسماعیل عباسی (عکاس)، آقای افشین شاهرودی (عکاس)، آقای ابراهیم حقیقی (گرافیکست) و...

18 شایان ذکر است که لفظ «غیرقانونی» هیچ استناد حقوقی در بحث هیات‌مدیره انجمن ندارد بلکه تنها مساله اعتبار می‌تواند مطرح شود ولی متأسفانه از اینجا به بعد این لفظ مرتب از سوی طرفین ماجرا بکار برده می‌شود.

19 در اینجا یادآوری ماده ۲۳ اساسنامه بار دیگر ضروری به نظر می‌رسد: تبصره ماده ۲۳ اساسنامه، استمرار فعالیت هیات‌مدیره قبلی را با عبارتهایی مانند «تا تعیین هیات مدیره جدید» و «مسئول انجام امور اداری و حفظ کلیه دارایی‌ها و اموال و اسناد و مدارک انجمن» محدود کرده است. بدین ترتیب اعتبار هیات مدیره دوم، در انتخابات ۲۴ خرداد ۱۴۰۰، که در آن هیات‌مدیره جدید «تعیین» شد، پایان یافته تلقی می‌شود. همانطور که قبلاً هم اشاره شد براساس مواد ذکر شده از «آیین‌نامه چگونگی تشکیل انجمن‌های صنفی...» نیز با «تعیین» هیات مدیره جدید و «حراز صحت» برگزاری مجامع عمومی عادی یا فوق‌العاده، اعتبار هیات‌مدیره قبلی پایان می‌پذیرد. «صحت» انتخابات ۲۴ خرداد ۱۴۰۰، با عدم دریافت شکایت و تایید نماینده وزارت کار احراز شده بود. ماده ۱۴ آیین‌نامه مربوطه به صراحت می‌گوید: «وزارت کار و امور اجتماعی پس از دریافت مدارک یاد شده در ماده (۱۳) در صورت احراز صحت برگزاری مجامع عمومی عادی یا فوق‌العاده، تکمیل و صحت مدارک، ظرف یک ماه نسبت به ثبت و صدور گواهی‌نامه و آگهی انجام انتخابات و انتشار آن در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه تشکیل ذیربط اقدام خواهد نمود.» در خصوص مدارک اشاره شده در ماده ۱۳ که به انتخابات ۲۴ خرداد مربوط می‌شد منظور مدارک زیر است: - فهرست اسامی امضا شده شرکت‌کنندگان در مجمع عمومی؛ فهرست اسامی و مشخصات کامل اعضا؛ آگهی دعوت مجمع عمومی منتشر شده در روزنامه (با توجه به حوزه فعالیت)؛ صورتجلسه هیات مدیره مبنی بر تقسیم وظایف هیات مدیره؛ پرسشنامه آماری تکمیل شده مربوط به مشخصات اعضای هیات مدیره، بازرسان و دبیر تشکل.

20 ایشان از این پیشنهاد چنان عصبانی شد که به اعضای معترض حمله کلامی کرد و به بازرس انجمن تشریح زد که: «اصلاً فرهادپور به چه حقی در جلسه هیات‌مدیره حرف می‌زند؟ بازرس حق اظهار نظر ندارد!»

21 به دلیل آنکه این نامه به عنوان دلیلی برای اقدامات بعدی طرفداران «غیرقانونی بودن» هیات‌مدیره منتخب عنوان شده است، فزاینده‌ای از آن را در اینجا می‌آورم. (بعد از انتشار این گزارش اصل نامه را خانم اعظم ویسمه منتشر خواهند کرد.) خانم ویسمه در این نامه می‌نویسد که بر اساس نظر حقوقدانان: وزارت کار تنها امر تأیید صحت انتخابات، و ثبت شرکتها نیز تنها امر ثبتی را بر عهده دارند... پس از امضای صورتجلسه تعیین سمت و پذیرش سمت اعضا، رسماً اعضای جدید قبول سمت کرده و تمامی مسئولیت بر دوش ایشان است و اعضای سابق دیگر هیچ سمتی ندارند... بر اساس قانون و اساسنامه، مجمع عمومی بالاترین رکن انجمن است و هیچ رکن دیگر و یا مرجع قانونی غیر از مراجع ذکر شده در قوانین موضوعه (مانند هیات ریسه و ناظران مجمع و یا دادگاه قضایی) نمی‌تواند مصوبات مجمع را زیر سوال برده و یا نقض کند و وزارت کار هم صرفاً طبق قانون صحت برگزاری مجمع و تطبیق مصوبات مجمع با قوانین تاسیس و فعالیت انجمن صنفی را بررسی می‌کند... زیر سوال بردن مجمع عمومی انجمن توسط برخی اعضا و منوط کردن اعتبار مصوبات اجرایی آن به نظر وزارت کار، بدعت بسیار خطرناکی است که قطعاً منجر به از هم پاشیدگی و انحلال مجموعه در کوتاه مدت خواهد شد... هیات مدیره اختیار تفویض وظایف خود به دیگران را ندارد و هر کدام از اعضای هیات مدیره که از امضای صورتجلسه پذیرش سمت پشیمان شده و یا آن را قبول ندارند، باید استعفای خود از هیات مدیره را اعلام کنند... هر گونه دخل و تصرف در اموال و دارایی‌های انجمن و همچنین استفاده از امکانات و اختیارات انجمن توسط هیات مدیره سابق، پس از مجمع عمومی و شروع به کار هیات مدیره جدید، تخلف و جرم بوده و قابل پیگیری است.

22 نمک دوست در روایت آن روز می‌گوید: «من در همان کافه به خانم نمازی زنگ زدم و پرسیدم چرا به جلسه نیامدید؟ توضیح داد که به اتفاق شهیار شمس و خانم رحمتی مشغول رتق و فتق امور تمدید اجاره دفتر و در دفتر شهرداری هستند.» همان موقع مساله فراكسيون و رای گیری نیز مطرح شد که منجر به رد و بدل شدن گوشی موبایل بین نمک‌دوست و پژمان موسوی در بحث با خانم نمازی شد و همه حاضران شاهد این صحبت‌ها بودند.

23 نمک دوست وضعیت پیش آمده را نوعی کم‌دی تراژدی تأسف بار توصیف می‌کرد به این معنی که هر دو گروه به دلیل برداشت اشتباه از رای نمک دوست او را در جبهه مقابل خود قرار می‌داد، کم‌اینکه حدود سه ماه بعد خانم نمازی کماکان به نمک دوست به اصرار می‌گفت که شما در جناح مقابل هستید چون به من رأی ندادید و این سوء تفاهم به گونه‌ای بود که نمک دوست حتی از پژمان موسوی خواهش کرد که برای تمام شدن این برداشت نادرست شخصاً به خانم نمازی توضیح دهد که رأی پژمان خانم زارع کهن بوده است تا شاید قدری برداشت اشتباه خانم نمازی تعدیل شود.

24 شایان ذکر است که آقای هوشمند رضوی از اعضای فعال انجمن صنفی ایران و تهران و دبیر کمیته روابط کار بوده‌اند. ایشان هیچ تحصیلات دانشگاهی مرتبط با امور حقوقی ندارند اما با توجه به سال‌ها تجربه در امور مربوط به روابط انجمن و وزارت کار همواره مسئولیت این سازوکار برعهده داشته‌اند.

25. تاریخ برگزاری جلسه هم‌زمان بود با موضوع پیگیری دستگیری مجید سعیدی و صدور نامه‌ای مشترک به آقای محسنی اژه‌ای از سوی دو رییس هیات‌مدیره یعنی عبدی و نمک‌دوست.

26 آقای عبدی در توجیه توصیه به استعلاام از وزارت کار به این بند از نامه خانم اعظم ویسمه که در آن تصریح شده بود «هر گونه دخل و تصرف در اموال و دارایی‌های انجمن و همچنین استفاده از امکانات و اختیارات انجمن توسط هیات مدیره سابق، پس از مجمع عمومی و شروع به کار هیات مدیره جدید، تخلف و جرم بوده و قابل پیگیری است» استناد می‌کند که هیات‌مدیره قبلی را ملزم به استعلاام کرده است.

27 از سوی دیگر به نظر می‌رسد دوگانه شدن انجمن‌ها اگرچه واقعی اما تحمیلی بود. تحمیلی که براساس مشاوره نادرست صورت گرفت و بعد از تحمیل آن چاره‌ای جز به کار بردن نام دو انجمن نبود.

28 البته از جانب انجمن با آقای خانیکی به عنوان رئیس انجمن ایران ارتباطات و مطالعات فرهنگی مذاکره شده بود و و ایشان در نامه‌ای مکتوب و رسمی دکتر شکرخواه را پیشنهاد کردند. آقای نمک‌دوست نیز به صورت رسمی با آقای میرزاخانی سردبیر دنیای اقتصاد صحبت کرده و ایشان نیز پذیرفته بودند. همچنین با آقای رضا قویفکر در انجمن پیشکسوتان هم به صورت رسمی و به عنوان رئیس انجمن صحبت شده بود که ایشان نیز استقبال کردند و اطلاع دادند انجمن پیشکسوتان آقای قاضی زاده را برای عضویت در این شورا انتخاب کرده‌اند حتی پیش از بروز تشنج‌ها و اختلافات خانم نمازی با انجمن ایران رسماً تماس گرفته بودند.

29 قبل از این هم عملاً کار کمیته عضوگیری دچار مشکل شده بود. بر اساس گزارش خانم اعظم ویسمه (دبیر کمیته عضوگیری) از تیرماه گذشته خانم تبسم نمازی، به عنوان دبیر انجمن، با تأیید برخی متقاضیان که مدارک کامل داشتند اما معرفی‌نامه ارائه نداده بودند مخالفت کرده و به هیات مدیره اعتراض کرده که چرا درخواست‌ها بدون معرفی‌نامه تأیید شده است. البته اعتراض ایشان برخلاف رویه‌های قبلی بود. بنا بر گزارش خانم اعظم ویسمه ادعای دیگر دبیر انجمن این بود که تأیید متقاضیان در کمیته عضوگیری به معنای عضویت آنها در انجمن و تأیید دبیرخانه نیست، که این ادعا نیز خلاف اساسنامه و آییننامه عضوگیری (مصوب هیات مدیره قبلی) بود. با اعتراض خانم ویسمه به این روند، دیگر تقاضاهای عضویت رسیده به دبیرخانه به کمیته مربوط ارسال نشد و عملاً روند عضوگیری دچار مشکل شد. این مساله به اطلاع رییس هیات‌مدیره رسید که با پیگیری آقای نمک‌دوست، خانم تبسم نمازی مدعی شد در حال طراحی فرم‌های جدید عضویت برای انجمن سراسری است و فعلاً عضوگیری نمی‌شود. بدین ترتیب فرایند عضوگیری عملاً از ۲۳ مرداد متوقف شد و بسیاری از اعضا که به دنبال کارت عضویت بودند (بخصوص در زمینه واکسن) با این گزاره دبیر انجمن نمازی روبرو می‌شدند که «چون هنوز سراسری شدن تأیید نشده است، کارت عضویت جدید صادر نمی‌شود»؛ در صورتی که انجمن هنوز انجمن تهران بود. (البته حق عضویت گرفته می‌شد).

30 ماده ۱۹- جلسات عادی هیات مدیره با حضور حداقل ۵ نفر رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با آرای اکثریت اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود و همچنین برحسب ضرورت، بنا به دعوت رییس، نایب رییس یا یک سوم (۱/۳) اعضای هیات مدیره، جلسه به طور فوق العاده تشکیل می‌شود.

تبصره ۳: غیبت در سه جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب، بدون ارایه عذر موجه به عنوان استعفای شخصی از سمت هیات مدیره تلقی می‌شود و عضو یا اعضای علی‌البدل به ترتیب تقدم آرا، جانشین عضو مستعفی خواهند شد. تشخیص موجه یا غیرموجه بودن عذر بر عهده هیات مدیره خواهد بود.

31 آقای عبدی و آقای نمک دوست هر دو از این جلسه استقبال می‌کنند.

32 البته در دقایق آخر جلسه آقای نوروزی از آقای نمک دوست می‌خواهد که اگر حرفی دارند بزنند که ایشان در جواب تشکر می‌کند و می‌گوید: «خیر ممنون!» بعدها آقای نمک دوست روایت خود را از این جلسه چنین بیان می‌کند: «به نظرم به قدری جلسه بی معنا و بی محتوا آمد و از بدرفتاری با پیشنهاد بازرس ها مکدر بودم ترجیح دادم سکوت کنم. به نظرم تمام قصه برای این شکل گرفت که پیشنهاد دوستان بازرس ملغی شود و هیأت مدیره جدید به رسمیت شناخته نشود. در واقع، تصورم - که ممکن است غلط باشد - این بود که پس از دعوت بازرسان و استقبال آقای عبدی دوستان به آقای عبدی اعتراض کرده بودند و ایشان متاسفانه البته با حسن نیت، برای اینکه فضا حاد نشود تن به برگزاری آن جلسه بی محتوا داد.»